

تاریخ، ادبیات و الهیات عهد جدید

جلسه چهارم: الهام، اعتبار و انتقال متن

تد هیلدبران

#### A. مقدمه [۰۰:۵۰-۰۰:۰۰]

الف. مقدمه: نگارش و حفظ عهد جدید

[؛ ۰۰:۰۰-۳۸:۱۲ AH ویدیوهای کوتاه: ترکیب]

بسیار خوب، خوش آمدید. می‌خواهیم بحث را عوض کنیم. ما در مورد پیشینه تاریخی ایرانیان، یونانیان، مکابیان، حشمونیان تا هیروودیس صحبت می‌کردیم. و در مورد فرقه‌های مختلف یهودی: فریسیان، صدوقیان، اسنیان و زیلوت‌ها صحبت کردیم. در مورد نهادهای سنهدرین، نهاد کنیسه، یهودیان پراکنده، سامریان و دیگران. مانند آن صحبت کردیم.

#### ب. الهام [۰۰:۵۰-۰۰:۱۱]

کاری که الان می‌خواهم انجام دهم این است که به یک سوال متفاوت بپردازم. ما در این مدرسه معتقدیم که کتاب مقدس کلام خداست. بنابراین قرار است در مورد متن عهد جدید صحبت کنیم. عهد جدید چگونه به ما یا ترجمه‌های مختلف NIV، NRSV رسیده است؟ ما می‌گوییم که کتاب مقدس و عهد جدید از جانب خداست و در ما به ما رسیده است. چگونه کتاب مقدس از جانب خدا به ما رسیده است؟ من می‌خواهم این فرآیند را از چگونگی رسیدن عهد جدید از جانب خدا به ما ردیابی کنم. بنابراین قرار است از الهام به ترجمه‌هایی از جانب خدا به ما خود را از کجا گرفتیم؟ بنابراین ابتدا NIV، برسیم. در اینجا تصویر بزرگی از کل ماجرا وجود دارد. اول از همه به شروع فرآیند الهام رسیدیم، در فرآیند الهام، چهار فرآیند وجود دارد که در اینجا دخیل هستند. در الهام، خدا با یک پیامبر یا رسول صحبت می‌کند و رسول یا پیامبر آن را می‌نویسد. بنابراین ما فرآیند الهام را داریم که خدا با یک رسول صحبت می‌کند و سپس آن را می‌نویسد. سپس پس از اینکه رسول یا پیامبر آن را نوشت.

#### ج. تقدیس [۰۰:۱۱-۰۲:۱۲]

پیامبران زیادی بودند که برخی از آنها کلام خدا را نوشتند که ما نداریم. این کلام هرگز در چیزی که به عنوان کتب مقدس متعارف نامیده می‌شود، جمع‌آوری نشد. کتب مقدس متعارف، جمع‌آوری کتاب‌هایی است که خدا نوشته است. به عنوان مثال، در عهد عتیق، ما از نبی هولدا اطلاع داریم و می‌دانیم که او تقریباً همزمان با ارمیا

بوده است. او یک پیامبر زن بود و خدا با او صحبت کرد. ما یک پیامبر دیگر به نام اخیای نبی داریم که علیه یربعام و رحبعام پیشگویی کرد و تقریباً در همان زمان، از اخیای نبی در کتاب پادشاهان نام برده شده است. ما از نوشته‌های او اطلاع داریم. سلیمان ۳۰۰۰ ضرب‌المثل نوشت و ما فقط حدود ۳۷۵ ضرب‌المثل، حدود ۱۰/۱، داریم. او ۱۰۰۰ سرود نوشت و ما فقط یک سرود سلیمان و چند مزامیر داریم. احتمالاً همین کافی بوده است. اما به هر حال، کتاب‌ها و فرآیند متعارف شدن، جمع‌آوری کتاب‌های معتبر است. برخی کتاب‌ها جمع‌آوری نمی‌شوند و برخی دیگر جمع‌آوری می‌شوند. این فرآیند کانونی‌سازی است.

#### د. انتقال [۱۲:۳-۲۸:۵]

بعد از اینکه الهام گرفتید، به قول خدا، کتاب‌ها در یک گروه جمع‌آوری می‌شوند. حالا باید بارها و بارها از آنها کپی بگیرید. آنها هزاران سال با دست، چه عهد عتیق و چه عهد جدید، کپی شدند. عهد جدید به مدت ۲۰۰۰ سال بارها و بارها توسط کاتبان کپی شد. کاتبان انسان هستند. کاتبان اشتباه می‌کنند. ما کپی‌هایی از آنچه کاتبان در طول ۲۰۰۰ سال کپی کرده‌اند، داریم. هزاران کاتب در اوایل کلام خدا را کپی می‌کردند. وقتی آن را کپی می‌کردند، گاهی اوقات اشتباهات املائی مرتکب می‌شدند. گاهی اوقات کارهای دیگری انجام می‌دادند. می‌توانیم به انواع خطاهایی که مرتکب می‌شدند نگاه کنیم. اما این کاتبان نسخه‌های خطی درست می‌کردند. صدها سال بعد، نسخه‌ای را برمی‌داریم که توسط کاتبی مثلاً در اسکندریه تهیه شده است. ما کاتبی داریم که در کوه سینا در صومعه سنت کاترین بود و کتاب مقدس را کپی کرد. ما یک نسخه به نام سینا داریم. بنابراین اساساً کاتبان اینها را کپی می‌کردند. همانطور که آنها را کپی می‌کردند، آنها را روی مواد مختلف نیز کپی می‌کردند و این بر مدت زمان ماندگاری این مواد تأثیر می‌گذارد. اگر آنها را روی پوست حیوانات کپی می‌کردند، مدت زیادی دوام می‌آورد. چرم پوست حیوانات مدت زیادی دوام می‌آورد. اما اگر آن را روی پاپیروس کپی می‌کردند - پاپیروس چیزی شبیه به ترکیبی از ویرانه‌های بامبو و بوته‌های گل گاوزبان است و اساساً الیاف آن ماده آلی با هم ترکیب می‌شوند تا کاغذ بسازند. اما مشکل این است که آنها از گیاهان آلی ساخته شده‌اند و اتفاقی که می‌افتد این است که اگر رطوبتی در هوا وجود داشته باشد، پاپیروس به راحتی تجزیه می‌شود. پاپیروس فقط در جاهایی مانند مصر دوام می‌آورد. بنابراین کاتبان انواع مشکلات را در آنجا داشتند. حالا وقتی این نسخه‌های خطی را داریم و این نسخه‌های خطی را از سراسر جهان جمع‌آوری می‌کنیم. محققانی مانند بروس متزگر و افراد دیگر، کورت آلد، این نسخه‌های خطی را از سراسر جهان جمع‌آوری می‌کنند و آنها را با یکدیگر مقایسه می‌کنند. سپس آنها یک متن ویرایش شده به ما می‌دهند و می‌گویند: «بسیار خوب، ما 10 نسخه خطی مثل این و 10 نسخه خطی مثل آن داریم.» آنها همه نسخه‌های خطی را وزن می‌کنند و سپس متن یونانی را به ما می‌دهند. این چیزی است که ما در عهد جدید داریم و به شما می‌گویم که کدام نسخه‌های خطی، کدام را دارند UBS آلد یا عهد جدید یونانی

## ه. ترجمه [6:16-5:28]

را به انگلیسی ترجمه می‌کنیم. هر زمان که بین دو زبان مانند یونانی UBS سپس ما از آنها، متن یونانی در عهد جدید جابجا می‌شوید، ما از یونانی به انگلیسی می‌رویم. تفاوت‌هایی در نحوه ترجمه مترجمان وجود خواهد داشت، [ترجمه جدید زنده] NLT متفاوت خواهد بود. با کتاب مقدس زنده، با NIV داشت. بنابراین نسخه کینگز جیمز با متفاوت است. هر گروه ترجمه آن را به طور متفاوتی ترجمه خواهد کرد. کتاب «پیام» یوجین NRSV یا ESV پترسون هنوز متفاوت خواهد بود. بنابراین آنها در فرآیند ترجمه و سپس بین زبان‌ها پس از در نظر گرفتن تفاوت‌های کاتب، متفاوت خواهند بود. بنابراین اساساً این چهار فرآیند است.

## و. آیات مربوط به الهام [۱۶:۱۶-۶:۱۶]

کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که کمی بیشتر با جزئیات به آنها نگاه کنم. ما قبلاً در عهد عتیق برخی از این کارها را انجام داده‌ایم. این آیه کلاسیک در مورد الهام است. بگذارید فقط این را بخوانم. این دوم تیموتائوس ۳:۱۶ است. این یک آیه بسیار معروف است، آیه بسیار مهمی برای فرآیند الهام. تمام کتاب مقدس از الهام خداست - در واقع کلمه آنجا "خدا دمید". تمام کتاب مقدس از الهام خداست و برای آموزش حقیقت به ما و تشخیص اشتباهات در زندگی ما مفید است. ما را اصلاح می‌کند و به ما می‌آموزد که چه کاری درست است. فکر را اینجا ببینید. تمام کتاب مقدس از الهام خداست و برای آموزش، اصلاح NIV است. می‌توانید NLT می‌کنم این و تربیت برای عدالت مفید است. "جالب این است که پولس اینجا با تیموتائوس صحبت می‌کند و می‌گوید تیموتائوس، مادرت کتاب مقدس را به تو آموخته و مادربزرگت از زمانی که بچه بودی کتاب مقدس را به تو آموخته است. او در مورد کدام کتاب مقدس صحبت می‌کند؟ منظور پولس از «تمام کتب مقدس» (این است که منظور از «سبعینی» (این است که تیموتائوس گرایش یونانی داشت و کتب مقدس یونانی - یعنی «سبعینی» - به او آموخته شده بود. بنابراین درک این نکته مهم است. حال، یک آیه عالی دیگر هم هست. در دوم پطرس ۱:۲۱ - این آیه کلاسیک دیگری در مورد الهام است. این آیه می‌گوید: «زیرا نبوت هرگز به خواست انسان سرچشمه نگرفت، بلکه مردمان از جانب خدا سخن گفتند، زیرا به روح القدس منتقل می‌شدند.» حال نکته این است که نبوت از خواست انسان سرچشمه نگرفت. انسان‌ها افسانه‌ها و داستان‌ها را نساختند و آنها را به نسل‌های بعدی منتقل نکردند. کتاب مقدس هرگز از خواست انسان سرچشمه نگرفت. بلکه انسان از جانب خدا سخن گفت و به روح القدس منتقل شد. این کار خدا بود. بنابراین، این دو آیه، و همچنین آیات دیگر، مفهوم سخن گفتن خدا و نوشتن چیزها توسط پیامبران را در الهام برجسته می‌کنند.

## ز. مزایای اسناد مکتوب: حفظ و نگهداری [9:25-8:16]

مزایای نوشته‌های مکتوب چیست؟ خدا چیزهای زیادی گفته است، عیسی چیزهای زیادی گفته است، مثلاً

در پایان یوحنا ۲۱، من معتقدم که همینطور است. یوحنا گفت: «عیسی چیزهای بسیار دیگری گفت که در این کتابها ثبت نشده‌اند. اما اینها ثبت شده‌اند تا شما باور کنید.» بنابراین عیسی بارها صحبت کرد، عیسی موعظه‌های زیادی کرد که در کتاب مقدس ما ثبت نشده‌اند. اما عیسی شفاهی صحبت کرد. بنابراین مزایای نوشته شدن مطالب و انتقال از شفاهی به کتبی چیست؟ یکی از مزایای متون مکتوب، مفهوم حفظ و نگهداری است. وقتی در یک کلاس برای ۱۰۰ دانش‌آموز صحبت می‌کنم، کلمات از دهانم بیرون می‌آیند و ظرف ده دقیقه اکثر آنها آنچه را که گفتم فراموش می‌کنند. بنابراین کلمات بیرون می‌آیند و به ذهن مردم می‌روند و فقط تا حدی دوام می‌آورند. وقتی چیزی نوشته می‌شود، می‌تواند به راحتی ۱۰۰ سال دوام بیاورد. وقتی چیزی نوشته می‌شود، می‌توان آن را حفظ کرد در حالی که مطالب شفاهی به امواج رادیویی می‌رود و از بین می‌رود. بنابراین از نظر حفظ و نگهداری فایده‌ای وجود دارد.

### ح. دقت [۹:۲۵-۳۸:۱۲]

نکته دوم دقت است. وقتی کسی صحبت می‌کند، اتفاقات خیلی سریع می‌افتند. باید سریع متوجه آنها شوید و آنها از کنارشان رد می‌شوند و تحلیل آنها سخت است. وقتی یک متن نوشتاری دارید، می‌توانید آن را بردارید و بخوانید و در موردش فکر کنید، نگاه کنید، به آن فکر کنید. می‌توانید آن را تفسیر کنید، می‌توانید روی کلمات مختلف مطالعه کنید، روی دستور زبان نحوی مطالعه کنید. می‌توانید به ویژگی‌های گفتمانی و بلاغی آن نگاه کنید. انواع دیدگاه‌ها وجود دارد، می‌توانید از دیدگاه‌های مختلف به آن نگاه کنید و آن را درک کنید. بنابراین دقت، وقتی چیزی نوشته می‌شود، حتی از نظر ساخت این ویدیوها بسیار جالب است. وقتی کسی صحبت می‌کند و من خودم را در بسیاری از این ویدیوها می‌بینم، خیلی شلخته صحبت می‌کنم. وقتی می‌نویسم، به روشی بسیار دقیق‌تر می‌نویسم. تفاوت زیادی در نحوه نوشتن چیزی وجود دارد و اگر هر یک از شما مقالات دانشگاهی نوشته باشید، متوجه می‌شوید که مانند مقالاتی که می‌نویسید صحبت نمی‌کنید. وقتی می‌نویسید، با دقت و صحت بسیار بیشتر و اختصار بسیار بیشتری است. وقتی صحبت می‌کنم، اغلب خودم را تکرار می‌کنم. اگر شما خودتان را در نوشتن تکرار کنید، استاد زبان انگلیسی شما چه می‌کند؟ خب، آنها کلمه «اضافی» را می‌نویسند. چون در شکل نوشتاری واقعاً یک چیز را دو بار نمی‌نویسید. این کلمه زائد تلقی می‌شود. این کلمه منفی است، در حالی که وقتی صحبت می‌کنید، اغلب خودتان را تکرار می‌کنید. اگر کسی به جدیدترین گفتمان سیاسی گوش داده باشد، می‌داند که آنها نکات صحبت یکسانی را بارها و بارها و بارها تکرار می‌کنند. حتی در سخنرانی‌های مهم که در مورد وضعیت کشور صحبت می‌کنند، نیمی از این عبارات را قبلاً شنیده‌ایم، بنابراین فقط یک تکرار است. بنابراین وقتی کسی می‌نویسد، بسیار دقیق‌تر از زمانی است که کسی «جنبه شفاهی چیزها» را بیان می‌کند.

بنابراین دقت، هم نوشتن است و هم انتشار. وقتی کسی صحبت می‌کند، دهان به دهان می‌چرخد - شما صحبت می‌کنید و به ۱۰۰ نفر در اینجا و اکنون می‌رسد. اما وقتی من می‌نویسم، می‌توانید آن را در اینترنت قرار دهید و میلیاردها نفر می‌توانند آن را ببینند. یک ویدیو می‌تواند ویروسی شود و ۱۷ میلیون نفر می‌توانند این ویدیو را تماشا کنند. بنابراین اساساً وقتی چیزی را ضبط کرده‌اید یا چیزی را نوشته‌اید، می‌تواند منتشر شود. کتاب مقدس یکی از کتاب‌هایی است که بیشترین انتشار را در جهان دارد. میلیون‌ها نسخه از آن تقریباً به تمام زبان‌های جهان در سراسر جهان منتشر می‌شود. بنابراین وقتی چیزی نوشته می‌شود، می‌تواند منتشر شود. می‌تواند پخش شود. کاتبان می‌توانند آن را کپی کنند. کاتبان متعدد می‌توانند آن را کپی کنند. می‌تواند تکثیر و تکثیر شود، بیشتر از یک کلمه گفته شده.

بنابراین برای ما بسیار مفید است که این سوابق نوشته شده‌اند. آن بخش از کتاب مقدس که خدا با پیامبران صحبت کرد «خداوند چنین می‌گوید» - او با پیامبران صحبت کرد و پیامبران/رسولان آن را در عهد جدید نوشتند. بنابراین اکنون خدا را داریم که با رسولان صحبت می‌کند و رسولان آن را می‌نویسند. ما در مورد مرقس و لوقا و نویسندگی صحبت خواهیم کرد و خواهیم دید که اوضاع چگونه پیش می‌رود.

#### الف. نگارش عهد جدید: حواریون در حال مرگ [۱۲:۳۸-۱۴:۴۸]

##### ب. نگارش عهد جدید

#### [ویدیوهای کوتاه؛ ترکیب پیام‌های فوری؛ ۱۲:۳۸-۱۹:۳۵]

چرا کلیسای اولیه شروع به جمع‌آوری کتاب‌های رسولان کرد تا به چیزی که ما به عنوان عهد جدید می‌شناسیم تبدیل شود؟ چه نیروهایی این نوشته را پیش می‌بردند؟ چرا شاگردان تصمیم گرفتند این مطالب را بنویسند؟ عیسی با آنها صحبت کرده بود، آنها موعظه‌ها را شنیده بودند. آنها داستان‌های عیسی را می‌دانستند. چرا رسولان شروع به نوشتن این مطالب کردند؟ چرا بیشتر نویسندگان انجیل این کار را کردند؟ اکثر نویسندگان انجیل که فکر می‌کنیم در دهه ۵۰ نوشته شده‌اند. بعد از عیسی یک دوره ۲۰ یا ۳۰ ساله وجود دارد که آنها نوشته نشده‌اند. ممکن است آنها به صورت داستان‌های کوتاه یا قطعات نوشته شده و سپس جمع‌آوری شده باشند. ما در مورد همه اینها مطمئن نیستیم. نوعی پیش از تاریخ در مورد اسناد وجود دارد. چرا در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ فشار زیادی برای نوشتن این مطالب وجود داشت تا نویسندگان انجیل آن را بنویسند؟ به دلیل مرگ رسولان. رسولان شاهد عینی بودند. مرقس رسول نبود اما احتمالاً شاهد عینی در اورشلیم بود. متی یک شاهد عینی بود. یوحنا نیز یک شاهد عینی بود. بطرس و پولس نیز شاهد بودند. بنابراین، با مرگ این افراد، نیاز مبرمی به نگارش این داستان‌ها احساس شد، زیرا وقتی نوشته می‌شوند، ماندگار می‌شوند.

من مثالی از خانواده خودم دارم وقتی پسر من از افغانستان برگشت، او داستان‌های واقعاً جالبی داشت. بنابراین او این داستان‌ها را به صورت شفاهی و چیزهایی دیگر تعریف می‌کند، اما آنها نوشته نمی‌شوند. بنابراین اتفاقی که می‌افتد این است که داستان‌ها هر از گاهی تغییر می‌کنند. همچنین آنها ثبت نمی‌شوند، به هوا می‌روند. من و همسر من آنها را می‌شنویم و سپس به نوعی از بین می‌روند. نیاز به حفظ چیزی وجود دارد و شما می‌خواهید آن را بنویسید. اما به هر حال حواریون در حال از بین رفتن هستند. داستان‌های عیسی، آنها باید آنها را بنویسند. مردم احتمالاً به دنبال حواریون می‌روند، "هی متی، خوب است که بدانم تو همه این داستان‌ها را در مورد عیسی می‌دانی و همه این داستان‌ها را برای ما تعریف کرده‌ای، اما آنها را بنویس چون قرار است دوام بیاورد، تو خواهی مرد" و تقریباً همه حواریون کشته شدند. تقریباً هر 12 نفر آنها به جز یوحنا احتمالاً بر اثر شهادت جان باختند. آنها در حال مرگ بودند، بنابراین این امر باعث شد که داستان‌ها نوشته شوند.

### نگارش عهد جدید: پراکندگی جغرافیایی [J. 15:39-14:48]

همچنین پراکندگی جغرافیایی مسیحیت وجود دارد. پیش از این، زمانی که در اورشلیم بود، همه حواریون در اورشلیم بودند. آنها می‌توانستند با یکدیگر مشورت کنند و داستان‌های عیسی را از بر بخوانند و چیزهای مختلف را بررسی کنند. اما با گسترش یافتن وقایع، نیاز بیشتری به نوشتن آنها وجود داشت تا بتوان آنها را به مکان‌های دیگر، مثلاً کلیسای افسس یا کلیسای قرنتس، برد. آنها می‌خواستند که این وقایع به روم برده شود و داستان باید نوشته شود و از آنها به روم برده شود. بنابراین پراکندگی جغرافیایی مسیحیت منجر به این وحدت و تنوع در حین گسترش آن شد. وقتی می‌خواستید مطمئن شوید که همه چیز درست است، نیاز به نوشتن و حفظ آنها وجود دارد.

### ک بدعت‌ها [۱۷:۱۷-۱۵:۳۹]

این هم یک مورد بزرگ دیگر. در کلیسای اولیه، این اتفاق در قرن دوم میلادی، یعنی بعد از ۱۰۰ میلادی، رخ داد. بدعت‌ها شروع به ظهور کردند. مونتانیسم - پیامبرانی که می‌گفتند از جانب خدا صحبت می‌کنند - ظهور کرد. و شما می‌گویید: "صبر کنید، همان چیزی را خواهید داشت که در عهد جدید داشتیم". بنابراین شما می‌گویید، باید اسناد عهد جدید داشته باشید تا تشخیص دهید چه چیزی درست است و چه چیزی نادرست. عرفان، به ویژه در قرن دوم، در جایی رشد می‌کرد که این برتری آشکار روح بر بدن و دانش پنهانی که قرار بود توسط گنوسی‌ها ادعا شود، وجود داشت. اتفاقی که می‌افتد این است که مسیحیان می‌گویند: "نه، این مسیحیت نیست". شما به اسناد مکتوب نیاز داشتید. باید بتوانید اسناد خود را کنار هم قرار دهید. شما خواهید دانست که چگونه این اشتباهاتی را که در انواع بدعت‌ها وجود داشت، رد کنید. مارسیون... دکتر ویلسون بخشی از مارسیون را در کتاب خود با عنوان "پدر ما / ابراهیم" دارد. مارسیون اساساً به عهد عتیق نگاه می‌کرد و خدای عهد عتیق را دوست

نداشت، بنابراین عهد عتیق را رد می‌کند و فقط عهد جدید را می‌پذیرد. خب، این درست نیست. بنابراین کلیسای اولیه مجبور بود با این نوع عقاید که به کلیسا تحمیل شده بود، مقابله کند و کلیسا مجبور بود از خود دفاع کند. بنابراین آنها باید تصمیم می‌گرفتند که کدام کتاب‌ها را به عنوان مقدس و از جانب خدا بپذیریم. و کدام کتاب‌ها را رد کنیم؟ نظر مارتین لوتر بود. عهد عتیق خوب است و همانطور که دکتر ویلسون آن را "عهد اول" می‌نامد، به آن اشاره می‌شود.

#### ل. نگارش عهد جدید: دغدغه‌های شبانی [۱۷:۱۷-۱۶:۱۸]

حالا دغدغه‌های کشیشی هم وجود داشت. وقتی واعظی پشت منبر می‌رود و موعظه می‌کند، کدام موعظه‌ها از جانب خداست؟ واعظ فقط نمی‌خواهد ایده‌های خودش را موعظه کند. او می‌خواهد از متنی که از جانب خداست صحبت کند. از جانب خدا به رسولانش به قومش. بنابراین اگر قرار است کلام خدا را موعظه کند، از کدام کتاب‌ها برای موعظه به قومش استفاده خواهد کرد؟ کدام کتاب‌ها از جانب خدا نیستند؟ حال، ضمناً، ممکن است کتاب‌های جالبی وجود داشته باشد، مثلاً نامه‌ی چوپان هرمس یا نامه‌ی کلمنت رومی. نامه‌های کلمنت ممکن است برای پدران اولیه‌ی کلیسا که نامه می‌نوشتند، جالب بوده باشد. آن نامه‌ها ممکن است برای کلیسای اولیه جالب و از نظر موعظه مفید باشند، اما واعظان می‌خواهند بدانند که کلام خدا چیست و کلمنت چه خواهد گفت. کلمنت قرار است چیزی بگوید که جالب است اما در واقع کلام خدا نیست. ممکن است از نظر داستان برای کلیسای او مفید باشد، اما کلام خدا نیست.

#### م. نگارش عهد جدید: آزار و اذیت [۱۸:۱۴-۱۹:۳۵]

در نهایت، این یکی خیلی مهم است: آزار و اذیت. در کلیسای اولیه آزار و اذیت وجود داشت. حالا بسیاری از آزار و اذیت‌ها به صورت محلی اتفاق می‌افتاد. جوامع محلی، همانطور که در پولس در اولین سفر تبلیغی می‌بینید، وقتی که او معمولاً به دلایل محلی کتک می‌خورد. متی در این مورد نکته‌ای را مطرح می‌کند. متیو یک مأمور مالیات رومی بود و اگر مسیحیان را از دیدگاه روم بیرون می‌کشیدید تا مسیحیان را کاملاً از بین ببرید، روم واقعاً اهمیتی نمی‌داد. عمده‌تاً جوامع محلی بودند که به مسیحیان فشار می‌آوردند. برای چه کتاب‌هایی حاضرید بمیرید؟ شما کتابی دارید که چوپان هرمس است و انجیل متی را دارید. آیا حاضرید برای چوپان هرمس بمیرید؟ چوپان هرمس کلام خدا نیست. این یک مشکل است. کتاب متی کلام خداست. این یک مشکل است. بنابراین کلیسای اولیه باید تصمیم می‌گرفت که برای کدام کتاب‌ها حاضر است بمیرد و برای کدام کتاب‌ها حاضر نیست بمیرد. آنها می‌خواستند بدانند کدام کتاب‌ها کلام خدا را ثبت کرده‌اند و کدام‌ها آنقدر مهم هستند. بنابراین به این دلایل، کلیسا مجبور بود تصمیم بگیرد که کدام کتاب‌ها صرفاً نوشته‌ی بشر هستند و کدام کتاب‌ها کلام خدا

## N. ]22:29-19:35[ کانونیسیت

### ج. اعتبار عهد جدید

[؛ ۳۵:۱۹-۵۷:۳۳ NR: ویدیوهای کوتاه؛ ترکیب]

حالا، چطور می‌توان به قانون‌مندی پی برد؟ سوالات کلیدی در مورد چگونگی تشخیص الهامی بودن کتاب‌ها و اینکه کدام کتاب‌ها از جانب خدا آمده‌اند چیست؟ اولین سوالی که می‌پرسید این است که آیا الهامی بوده است؟ آیا کتاب الهامی است؟ آیا نویسندگان عهد جدید هنگام نوشتن، می‌دانستند که در حال نوشتن کتاب مقدس هستند یا فقط فکر می‌کردند که نامه‌ای به کلیسا به کولسی یا افسسیان می‌نویسند و در واقع کلام خدا نیست؟ این کتاب به عنوان کلام خدا در نظر گرفته شد، اما واقعاً اینطور نبود. آنچه شما دارید، چند بخش جالب در اینجا است. بگذارید مکاشفه ۲۲:۱۸ را برای شما بخوانم، یوحنا در پایان کتاب، در پایان آخرالزمان می‌گوید: «اگر کسی این کلماتی را که او نوشته است به آنها اضافه کند، خدا بلاهایی را که در این کتاب شرح داده شده است، بر او خواهد افزود. و اگر کسی این کلمات را از کتاب این پیشگویی کم کند، خدا سهم او را از درخت حیات خواهد گرفت.» بنابراین به عبارت دیگر، من این کتاب را نوشتم. این کلمات از جانب خدا هستند. شما به این کلمات چیزی اضافه نمی‌کنید و از این کلمات چیزی کم نمی‌کنید. اگر آنها را اضافه کنید، با مشکل مواجه خواهید شد زیرا بلایای این کتاب را به خودتان اضافه می‌کنید. اگر از آنها کم کنید، درخت حیات را از خودتان دور خواهید کرد. ضمناً، این بسیار شبیه به چیزی است که در تثنیه هنگام نوشتن موسی اتفاق افتاد. موسی در تثنیه ۴:۲ گفت: «نه چیزی اضافه کنید و نه چیزی کم کنید.» بنابراین نوعی گفته می‌شود که این چیزها از جانب خداست. شما نمی‌توانید با این چیزها بازی کنید. جالب است که در اول قرن‌تین ۱۴:۳۷، پولس این نظر را در مورد فرامین خداوند بیان می‌کند: «اگر کسی گمان می‌کند که پیامبر یا دارای استعداد روحانی است، باید تصدیق کند که آنچه من به شما می‌نویسم، فرمان خداوند است.» بنابراین پولس می‌دانست که آنچه در اول قرن‌تین ۱۴ به قرن‌تین می‌نوشت، فرمان خداوند بود. این از جانب خداوند بود. و بنابراین او در اول قرن‌تین ۱۴:۳۷ اذعان می‌کند که چیزی که می‌خواهم بگویم این است که همانطور که او در اول قرن‌تین ۱۴ می‌نویسد، به نظر می‌رسد که او آگاه است که آنچه می‌نویسد از خودش نیست. می‌توانید به دوم پطرس ۱:۲۱ برگردید که کتاب مقدس از اراده انسان نبود، بلکه مردان مقدس توسط روح القدس هدایت می‌شدند. آنها می‌دانستند که اتفاق خاصی در آن فرآیند در حال رخ دادن است. پس آیا الهام شده است؟ آیا این ادعا را مطرح می‌کند؟ آیا این ادعا را مطرح می‌کند که از جانب خداست؟ اکنون کلمنت اهل روم توسط بسیاری الهام گرفته شده است، اما در کتاب مقدس نیست. پذیرفته نشد.

O. ]۲۴:۰۳-۲۲:۲۹[ معتبر بودن: مطابقت با معیارهای وحی قبلی

معیار دوم، من دارم این چیزها را کنار هم می‌گذارم. آیا با مکاشفه قبلی مطابقت دارد؟ و این مشکل‌ساز می‌شود. پولیکارپ ارتدکس است. بنابراین آنچه او نوشته با مکاشفه قبلی مطابقت دارد. از یعقوب سوال شد چون یعقوب گفت "ایمان بدون "چه؟" ایمان بدون اعمال مرده است." خب، پس پولس می‌گوید: "از طریق ایمان و فیض است که از خودمان نیست. نه از طریق اعمال شریعت، مبادا کسی فخر کند." - هیچ انسانی نباید از اعمال خود فخر کند. یعقوب می‌گوید "ایمان بدون اعمال مرده است." در مورد ایمانت به من نگو! شیطان این باور را دارد که خدایی وجود دارد! بنابراین باید با آن روبرو شوید. در حالی که پولس می‌گوید: "نه، نه، کار نکن و فخر نکن." بنابراین از یعقوب سوال شد. برخی از شما احتمالاً از مارتین لوتر آگاه هستید. مارتین لوتر در مورد کتاب یعقوب گفت که "یک رساله درست و حسابی و بی‌ارزش" است. لوتر از یعقوب سوال کرد چون لوتر توجیه را فقط با ایمان و فقط با ایمان پیش می‌برد. بنابراین با سناریوی او مطابقت نداشت، بنابراین او می‌گوید که یعقوب «رساله‌ای گاه‌مانند» می‌نویسد. او آن را به انتهای عهد جدید منتقل کرد، زیرا آن را زیر سوال برد و فکر کرد که با وحی قبلی، آنطور که او درک کرده بود، مغایرت دارد. بنابراین به نظر می‌رسد این یکی از معیارهایی است که می‌بینید کتاب‌ها بر اساس این معیار زیر سوال می‌روند. آیا با وحی قبلی مطابقت دارد؟

### ص. اعتبار: نبوی یا رسولی [۲۴:۰۳-۲۶:۰۱]

این هم یک دسته‌بندی دیگر. آیا نبوی است یا رسولی؟ آیا توسط یک نبی نوشته شده است یا یک رسول؟ شما انبیایی مثل اشعیا، ارمیا و حزقیال را دارید. همه آنها پیامبر هستند. اگر بگویید موسی... موسی پیامبر بزرگ عهد عتیق است. دوباره داوود، پادشاه. در عهد جدید می‌پرسید که آیا این شخص رسول است؟ متی توسط یک رسول نوشته خواهد شد. اعمال رسولان و لوقا احتمالاً تحت نظارت پولس توسط لوقا نوشته خواهند شد. پولس رسولی خواهد بود که به موقع به نزد خداوند نمی‌آید. ارتباط جالبی در اینجا با یهودا وجود دارد که احتمالاً برادر عیسی است. آیا رسولی است یا نبوی؟ آیا از طریق کانال‌هایی آمده است که خدا باید آنها را به عنوان یک نبی یا رسول تأیید می‌کرد؟ در بسیاری از یادداشت‌های شبیه‌ی‌گرافا، آنها انجیل‌های خود را با یک رسول مرتبط می‌کنند. به عنوان مثال، انجیل توماس یا مکاشفه پطرس یا اعمال رسولان پولس وجود دارد. بنابراین در کتاب پسودپیگرافا «از این نام‌های رسولان برای برجسته کردن آن استفاده می‌کردند. بنابراین می‌توانستند مقامات» موجود در این نام‌ها را تشخیص دهند و ببینند. بنابراین به نظر می‌رسد این یکی از مواردی است که اینجا وجود دارد. ضمناً، کتاب عبرانیان مورد سوال قرار گرفت، زیرا نویسنده عبرانیان کیست؟ امیدوارم وقتی این دوره را در پایان این دوره بگذرانید، بدانید که نویسنده عبرانیان کیست. فکر نمی‌کنم. نویسنده عبرانیان یک راز بزرگ است. اما کتاب عبرانیان مورد سوال قرار گرفت زیرا مطمئن نبودند چه کسی آن را نوشته است. آیا لوقا آن را نوشته است؟ آیا پولس آن را نوشته است؟ آیا آپولوس آن را نوشته است؟ ما نمی‌دانیم چه کسی آن را نوشته است. بنابراین، این کتاب بر اساس این اصل مورد سوال قرار گرفت.

### س. اعتبار: پذیرش توسط قوم خدا [۱:۲۶-۱۶:۳۳]

آیا توسط قوم خدا پذیرفته شد؟ این دسته دیگری است که مطرح می‌شود. آیا توسط قوم خدا در کلیسای اولیه پذیرفته شد؟ آیا قوم خدا آن را به عنوان کلام خدا پذیرفتند؟ آیه زیبایی در دوم پطرس ۳:۱۵ وجود دارد. فقط می‌خواهم برای لحظه‌ای در مورد آن صحبت کنم. این چیزی است که گفته شده، اما ابتدا اجازه دهید پیشینه پطرس و پولس را بیان کنم. پطرس و پولس در کلیسای اولیه، پطرس «پطرس بر این صخره کلیسای خود را بنا خواهم کرد» بود. پطرس شخصیت بزرگی بود. در نه فصل اول کتاب اعمال رسولان، پطرس یکی از شخصیت‌های اصلی شماس است. پطرس کسی است که به نزد کورنلیوس و شورای اورشلیم می‌آید. پطرس آن مرد است. اما اتفاقی که می‌افتد این است که پولس دیرتر وارد صحنه می‌شود. مثلاً پولس در راه دمشق است که فصل ۱۳ کتاب اعمال رسولان است. بنابراین پولس بعداً نجات می‌یابد. عیسی بعداً با پولس ملاقات می‌کند، بنابراین او مستقیماً توسط مسیح رسول می‌شود. بنابراین آنچه در کلیسای اولیه دارید، درگیری بین پطرس و پولس است. پولس همانطور که پطرس به یهودیان خدمت می‌کرد، به غیریهودیان خدمت می‌کند. حال سوال این است که آیا غیریهودیان برای مسیحی شدن باید ختنه شوند؟ به عبارت دیگر، آیا غیریهودیان ابتدا باید یهودی می‌شدند؟ و سپس مسیحی می‌شدند؟ یا غیریهودیان می‌توانستند بدون یهودی شدن، بدون ختنه، مسیحی شوند؟ همه غیریهودیان به این رأی منفی دادند. همه آنها گفتند: «نه، ما این ختنه را دوست نداریم.» اما به هر حال، آیا غیریهودیان باید ختنه می‌شدند؟ و آیا آنها باید کوشر می‌خوردند؟ آیا آنها نمی‌توانستند گوشت خوک یا خرچنگ و همه این قوانین کوشر را بخورند؟ آیا آنها باید از آن قوانین کوشر پیروی می‌کردند؟ پولس گفت: «نه، آنها مجبور نیستند کوشر بخورند و لازم نیست ختنه شوند. ابراهیم درست قبل از ختنه شدن با ایمان عادل شمرده شد. بنابراین غیریهودیان لازم نیست ختنه شوند.» «پطرس گفت:» می‌دانی، من هرگز چیز نجس نخورده‌ام

در کتاب غلاطیان، پولس می‌گوید که رو در رو با پطرس روبرو شد و او را رو در رو سرزنش کرد. غلاطیان تعاملات بین پولس و پطرس را ثبت می‌کند و می‌گوید که پولس، پطرس را سرزنش کرد. حالا پطرس مرد بزرگ کلیسا بود. پولس به نوعی تازمکار بود. پولس اکنون پطرس را سرزنش می‌کند. به نظر شما نگرش پطرس نسبت به پولس چگونه خواهد بود؟ او قرار است فرد قدرتمند باشد. پاسخ پطرس به پولس چیست؟ در دوم پطرس ۳:۱۵، پطرس در مورد پولس و نوشته‌هایش اظهار نظر می‌کند. این چیزی است که او می‌گوید و در واقع بسیار جالب است. دوم پطرس ۳:۱۵ می‌گوید: «همانطور که برادر عزیزمان پولس نیز با حکمتی که خدا به او داده بود، برای شما نوشت.» حال توجه کنید، پطرس تشخیص می‌دهد که خدا به پولس حکمت زیادی داده است. او از همان ابتدا آن را تشخیص می‌دهد. خدا از طریق پولس صحبت می‌کند. یا حکمتی که خدا به او داده است، «او در تمام نامه‌های خود به یک شکل می‌نویسد و در مورد این مسائل در آنها صحبت می‌کند.» به نظر می‌رسد پطرس از مجموعه نامه‌های پولس آگاه است. او می‌داند که پولس بیش از یک نامه نوشته است. ظاهراً نوعی

مجموعه از نوشته‌های پولس وجود دارد. نمی‌گویم که کاملاً کامل‌تر از چیزی است که ما داریم، اما او می‌دانست که پولس بیش از یک نامه نوشته است. و او این را کم دارد، و «در تمام این نامه‌ها او به یک شکل در مورد این چیزها می‌نویسد. نامه‌های او شامل این موارد است.» حالا این جالب است که از پطرس آمده است. پطرس چه بود؟ پطرس ماهیگیر بود. پطرس ماهیگیر بود - نه یک فرد با تحصیلات عالی. پولس، که برعکس، زیر نظر غمالائیل، یکی از بزرگترین خاخام‌های تمام دوران، تحصیل کرد. پولس متفکر بسیار با استعدادی بود و زیر نظر غمالائیل تحصیل کرد و یهودیت را به خوبی می‌دانست. او زیر نظر فریسیان فریسی آموزش دیده بود. و پولس باور نکردنی بود. خب؟ خب، حالا پطرس چگونه به نامه‌های پولس واکنش نشان می‌دهد؟ پطرس ماهیگیران. پطرس می‌گوید: «نامه‌های او حاوی چیزهایی است که درک آنها دشوار است و افراد نادان و ناپایدار آنها را تحریف می‌کنند.» - حالا نکته اصلی اینجاست... کدام افراد نادان و ناپایدار مانند سایر کتب مقدس تحریف می‌کنند؟ «همانطور که با سایر کتب مقدس عمل می‌کنند... به هلاکت خود.» پطرس می‌گوید که نامه‌های پولس دقیقاً مانند سایر کتب مقدس است. آنها افراد ناپایدار را مانند سایر کتب مقدس رد می‌کنند. پطرس نامه‌های پولس را در همان سطح سایر کتب مقدس قرار می‌دهد. بنابراین پطرس اکنون اذعان می‌کند که آنچه پولس می‌نویسد از جانب خداست. این همان سطح سایر کتب مقدس است. این یک تعامل بسیار مهم بین پطرس و پولس است. دوم. پطرس ۱۵:۳ آیه‌ای عالی است.

حالا اجازه دهید تاکتیک متفاوتی را در پیش بگیرم و به سراغ اول تیموتائوس ۱۸:۵ بروم. نکته جالب اینجا این عبارت نسبتاً معروف است. می‌گوید: «دهان صندوقچه‌ها را هنگام کوبیدن گندم نبندید. دهان صندوقچه‌ها را هنگام کوبیدن دانه نبندید.» خب؟ این از کجا آمده است؟ این عبارت از تثنیه فصل ۴:۵ آمده است: «دهان گاو را هنگام کوبیدن دانه نبندید، زیرا کتاب مقدس می‌گوید «... آنها آن را اینگونه معرفی می‌کنند:» زیرا کتاب مقدس می‌گوید هنگام کوبیدن دانه، دهان گاو را نبندید.» و این مانند کتاب تثنیه است. «همانطور که کتاب مقدس می‌گوید» و او تثنیه ۴:۵ را نقل می‌کند. سپس بخش بعدی این آیه می‌گوید: «و کارگر مستحق دستمزد خود است.» او اکنون از لوقا ۱۰:۷ نقل قول می‌کند. کتاب مقدس می‌گوید که این از تثنیه است و سپس آن آیات را به عنوان آیات کتاب مقدس پشت سر هم قرار می‌دهد. هر دو به این دلیل برچسب گذاری شده‌اند که آن متون مقدس می‌گویند: «دهان گاو را نبندید. و کارگر مستحق دستمزد خود است.» این آیه بسیار جالبی است. او تثنیه و لوقا را در یک سطح قرار می‌دهد. باز هم، چیزی که من سعی دارم بگویم این است که در اوایل، صدها و صدها سال بعد نبود. کتاب مقدس اقتدار پیدا کرد و صدها سال بعد برجسته‌تر شد. نه! ما در اینجا در مورد تیموتائوس صحبت می‌کنیم. او لوقا و تثنیه را در کنار هم قرار می‌دهد. ما می‌گوییم پطرس از قبل از مجموعه نوشته‌های پولس آگاه بوده است. آنها آنها را مانند سایر کتب مقدس تحریف می‌کنند و آنها را در همان سطح کتب مقدس قرار می‌دهند. بلافاصله پطرس حدود

سال ۴۰ و ۶۵ میلادی می‌میرد. بنابراین در حدود سال ۶۵ میلادی، پطرس در مورد مجموعه نوشته‌های پولس و اینکه آنها کتاب مقدس بوده‌اند صحبت می‌کند.

آر. کانونیستی: آیا تغییر زندگی‌ها پویا است؟ [۳۳:۵۷-۳۳:۱۶]

آخرین سوالی که مردم می‌پرسند این است که «آیا پویا است؟» «آیا کتاب پویا است؟ آیا با قدرت خدا آمده است؟ آیا کتاب توانایی تغییر زندگی مردم را دارد؟ این دغدغه‌ی روحانی است. به عنوان مثال، برخی افراد کتاب لوقا را زیر سوال می‌برند و می‌گویند که واقعاً با قدرت خدا نیامده است. بنابراین، سوال در مورد کتاب یهودا بر این اساس است: کلام خدا با قدرت خدا آمده است. بنابراین اینها برخی معیارها هستند. باز هم، این معیارها نیستند که این اعتبار را تشکیل می‌دهند، اما این چیزها نقش دارند زیرا کلیسا در حال تجزیه و تحلیل این اسناد بود تا بفهمد کدام یک از آنها خدا بودند، همانطور که جمع‌آوری می‌شدند.

س. مسئله گردش خون [۳۶:۴۳-۳۳:۵۷]

#### D. Canonicity Pt 2 – NT Antilegomena

[؛ ۳۳:۵۷-۱۰:۳۳ SV۴۶:۱۰-۳۳:۵۷ ویدیوهای کوتاه: ترکیب]

حالا مشکلی وجود دارد که به آن مشکل گردش نامه می‌گویند. پولس نامه‌ای به افسسیان نوشت. این بدان معنا بود که کلیسای افسس نامه را دریافت کرد. اما گروهی از مسیحیان در فیلیپی بودند که نامه را نداشتند. بنابراین اساساً نامه به افسسیان در افسس شناخته شده بود اما در فیلیپی شناخته شده نبود. کلیسای قرنتیان، پولس 3/4 یا 2، 3، 4 نامه به کلیسای قرنتیان نوشت. نامه‌های کلیسای قرنتیان در کولسی شناخته شده نبودند. پولس همچنین برای مدت کوتاهی نامه‌هایی به کولسیان نوشت. بنابراین اتفاقی که می‌افتد این است که کلیساها مجبور بودند این نامه‌ها را به اشتراک بگذارند. اساساً، پس از آن یک مشکل گردش نامه وجود داشت. سپس با کلیسای افسس، آن سند باید کپی شود و سپس به فیلیپی ارسال شود. سپس مردم فیلیپی تعجب می‌کنند که آیا این واقعاً نامه‌ای از پولس به افسسیان است؟ آیا این واقعاً قانونی است؟ چگونه این را می‌دانیم؟ بنابراین اسناد از این کلیساهای مختلفی که آنها را داشتند، به گردش درآمدند. بنابراین روند گردش نامه مدت زیادی طول کشید. پس اگر در مصر باشید چه کار خواهید کرد؟ پولس تمام این نامه‌ها را در یونان و ترکیه می‌نویسد و شما در مصر و جاهای دیگر. بنابراین ممکن است 20 یا 30 سال طول بکشد تا شما یک نسخه از مثلاً اول قرنتیان یا چیزی شبیه به آن یا در تسالونیکیان دریافت کنید. منظورم این است که ممکن است 30 یا 50 سال طول بکشد تا آن را ببینید. سپس کلیسا این نامه‌ها را به کلیساهای دیگر می‌فرستاد. همانطور که آنها پخش می‌شدند، شما می‌پرسیدید که آیا این واقعاً از پولس است؟ آیا این واقعاً از پطرس یا پولس یا یعقوب یا هر کس دیگری است؟ بنابراین به نظر من مهم است که بدانیم هیچ یک از

نویسندگان عهد جدید نتوانستند عهد جدید را ببینند. متی هرگز آن را ندید. توماس هرگز آن را ندید. فیلیپ هرگز آن را ندید. آنها هرگز نتوانستند عهد جدید کامل را ببینند.

در واقع کتاب یوحنا اوایل [تاریخ] خواهد بود. کتاب مکاشفه احتمالاً تا دهه ۹۰ میلادی نوشته خواهد شد. در دهه ۹۰ میلادی، پطرس حدود سال ۶۵ میلادی و پولس حدود سال ۶۸ میلادی درگذشتند. اکثر حواریون مدت‌ها قبل از کتاب مکاشفه در سال ۹۵/۹۷ میلادی، جایی در همین حدود، از دنیا رفته‌اند. همه حواریون از دنیا رفته‌اند. آنها هرگز تکمیل مجموعه عهد جدید را ندیدند. مجموعه عهد جدید، آن سند به آسیای صغیر - به بخش غربی، به هفت کلیسای آسیای صغیر - ارسال می‌شد و پخش می‌شد، اما مردم روم تا کمی بعد یا یک قرن بعد، قبل از اینکه سند واقعاً به آنجا برسد، آن را نداشتند. بنابراین فکر می‌کنم این نکته مهمی است که باید درک شود. هیچ یک از نویسندگان عهد جدید نمی‌توانستند مجموعه عهد جدید را ببینند.

### ت. جمع‌آوری توسط کلیسا [۴۳:۳۶-۰۸:۳۸]

مشکلات گردش کتاب - افسس داشت اما اورشلیم نداشت. اساساً، اتفاقی که افتاده بود این بود که فیلیپی نامه‌ای از افسسیان دریافت می‌کرد که می‌گفت: باشه؟ حالا افسسیان را داریم. بعد تسالونیکی را داریم و فیلیپی کنار تسالونیکی است. بنابراین آنها خیلی زود کتاب‌ها را عوض می‌کنند. در آن زمان این کار دشوار است. بنابراین هر کلیسا به نوعی آنها را به محض دریافت جمع‌آوری می‌کرد، اما تعویض این کتاب‌ها زمان زیادی می‌برد. اینطور نبود که بتوانید بروید و بگویید باشه، ما نامه‌ای از پولس داریم، بنشینید با یک دستگاه زیراکس و آن را روی آن زیراکس کنید. آن را بگذارید و آن را زیراکس یا فدکس کنید و به یک کلیسا بفرستید. نه، این چیزها باید دستی حمل می‌شدند و باید با دست کپی می‌شدند. این یک فرآیند طولانی بود و بنابراین کلیسا بسیار دقیق بود. و فکر می‌کنم این چیزی است که می‌خواهم بگویم. مشکلی در جمع‌آوری کتاب‌هایی که در اطراف پخش می‌شدند وجود داشت.

کلیسا در جمع‌آوری و تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدام کتاب‌ها کلام خدا محسوب می‌شوند، بسیار دقیق بود. از آنجا که آنها بسیار دقیق بودند، این فرآیند صدها سال طول کشید. مدتی طول کشید تا کل ماجرا سرهم شود. بنابراین فرآیند جمع‌آوری زمان‌بر بود و نیاز به تأیید هویت داشت، بنابراین این اسناد قبل از اینکه پذیرفته شوند، باید تأیید هویت می‌شدند. و فرآیند جمع‌آوری زمان زیادی برد.

### قرن دوم تا چهارم میلادی [40:01-38:08] U. Canon -

اینها فقط چند نکته هستند و من نمی‌خواهم شما این چیزها را بدانید، اما شخصی به نام لی مکدونالد بود را می‌شناسید که تحقیق کردند و ۱۰۰ صفحه در مورد فرآیند IBR یا BBR که از دوستان من بود، شما اعضای تقدیس عهد جدید و نحوه جمع‌آوری عهد جدید از جمله پدران اولیه کلیسا و توصیف شوراهای مختلف و چیزهای مختلف و نحوه تعامل آنها با کتاب مقدس نوشتند. بنابراین من این نوع کتاب‌ها را در مورد کتاب مقدس توصیه

می‌کنم. کتاب مقدس موراتوری شامل همه کتاب‌ها به جز ۱، ۲ پطرس و یعقوب و عبرانیان بود. بنابراین عهد جدید را دارد. این کتاب مربوط به حدود ۱۷۰ میلادی است. یعنی حدود ۸۰ سال پس از اینکه یوحنا کتاب عهد جدید را در آنجا به پایان رساند، کمی کمتر از ۷۵ سال یا بیشتر. ۷۵ سال بعد، کل عهد جدید را در بر گرفت. آنها حکمت سلیمان را داشتند و در نزدیکی چوپان هرمس، اختلاف نظر بر سر حکمت پطرس وجود دارد، اما در کتاب مقدس نیست. بنابراین این کتاب مقدس موراتوری بود.

شما این را در یکی از پدران اولیه کلیسا می‌بینید. می‌بینید که او قرار است درباره سال ۳۲۵ میلادی بنویسد. سال ۳۲۵ میلادی بسیار مهم است زیرا آن زمان است. آیا کسی سال ۳۲۵ میلادی و امپراتوری روم را به خاطر می‌آورد؟ سال ۳۲۵ تاریخ کنستانتین است. سال ۳۲۵ میلادی مربوط به زمانی است که کنستانتین مسیحی می‌شود. حالا ناگهان یک امپراتور دارید و شخصی در روم دارید که رئیس امپراتوری روم است و مسیحی است. بنابراین همه چیز از خصومت یا این تنش بین رومی‌ها و مسیحیان تغییر خواهد کرد. حالا ناگهان یک امپراتور مسیحی دارید. بنابراین یوسیبوس درست در همان زمان مشغول مطالعه است و او چیزی را که هومولگومن نامیده می‌شود، در دست دارد که در آن همه انجیل‌ها را می‌پذیرند؛ اعمال رسولان، رساله‌های پولس، اول پطرس، اول یوحنا و مکاشفه.

### فصل پنجم. آنتی‌لگومنا [۴۶:۱۰-۴۰:۰۲]

سوال دیگر این است که آیا آنها این چیزها را پذیرفته‌اند و چیزی را که شما «آنتی‌لگومنا» می‌نامید، به دست آورده‌اند. حالا آنتی‌لگومنا چیست؟ برخی از شما من را برای عهد عتیق به اینجا رسانده‌اید و متوجه خواهید شد که آنتی‌لگومنا در عهد عتیق جایی است که پنج کتاب در عهد عتیق مورد سوال قرار گرفته‌اند. آنتی «به معنای» ضد «و» لگومنا «به معنای» سخن گفتن «یا» علیه «صحبت کردن است. کتاب‌هایی وجود داشتند که علیه آنها صحبت می‌شد. پنج کتاب در عهد عتیق وجود داشت و آن چه بود؟ امثال به دلیل پاسخ دادن به یک احمق نیست و در آیه بعدی پاسخ به یک احمق وجود دارد. در امثال 24:5 آمده است که به یک احمق پاسخ دهید. کتاب استر مورد سوال قرار گرفت زیرا نام خدا در کتاب استر نیامده است. چه کتاب‌های دیگری؟ غزل سلیمان، به دلایل جنسی، کتاب‌های اولیه‌ای وجود داشت و یهودیان نمی‌دانستند با جنبه‌های جنسی چیزها چه کنند. کتاب حزقیال مورد سوال قرار گرفت زیرا کوه معبدی که در آنجا توصیف شده بود، بسیار بزرگ بود. و البته، کتاب جامعه هم یکی دیگر از این کتاب‌ها بود. کتاب جامعه «بی‌هویتی از بی‌هویتی، همه چیز بی‌هویتی است»، می‌دانم که این کتاب را شنیده‌اید. این کتاب معمولاً کتابی بسیار بدبینانه است، هر چند برخی آن را اصلاً بدبینانه نمی‌دانند. این کتاب سوالات بزرگی می‌پرسد اما پاسخی به آنها نمی‌دهد. به هر حال، بیایید از این بحث خارج شویم. بنابراین اینها ضدقهرمانان عهد عتیق هستند.

عهد جدید همچنین مجموعه‌ای از کتاب‌ها دارد که ضد کتاب‌های مقدس هستند - کتاب‌هایی که علیه آنها صحبت می‌شود و کتاب‌هایی که مورد سوال قرار می‌گیرند. یکی از آنها کتاب یعقوب است. چرا یعقوب مورد سوال قرار می‌گیرد؟ چون شما یعقوب را بعد از پولس می‌خوانید. بنابراین رومیان، قرن‌تینان، کولسیان و افسسیان را می‌خوانید. شما تمام احساسات پولس را می‌خوانید و سپس به یعقوب می‌رسید. وقتی به یعقوب می‌رسید، شروع به فکر کردن می‌کنید که چه؟ ایمان و سپس عمل نکنید زیرا در آن صورت به خود می‌بالید. سپس یعقوب می‌آید و می‌گوید ایمان بدون عمل مرده است. بنابراین کمی مسخره به نظر می‌رسد. بنابراین این تنش بین یعقوب و پولس وجود دارد و بنابراین یعقوب مورد سوال قرار می‌گیرد. یهودا کتاب بسیار عجیبی است. در مورد میکائیل و فرشتگان صحبت می‌کند. چیزهای عجیبی در کتاب یهودا وجود دارد. یهودا احتمالاً برادر عیسی بود و همچنین موازی با دوم پطرس است. بنابراین یهودا و دوم پطرس نیز کتاب‌های بسیار مشابهی هستند و در واقع شباهت‌های کلمه به کلمه بین دوم پطرس ۲ و یهودا وجود دارد. بنابراین برخی می‌گویند که شما واقعاً به کتاب یهودا نیازی ندارید، اما کتاب دوم پطرس را دارید که یهودا در آن گنجانده شده است. دوم و سوم یوحنا فقط کتاب‌های کوچکی هستند و برخی سوالاتی را در مورد ارتباط و موقعیت‌هایی که ممکن است مرتبط نباشند، مطرح کرده‌اند. کتاب‌هایی که رد شدند؛ رساله برنابا، چوپان هرمس، مکاشفه پطرس و کتاب‌های دیگر رد شدند، اما به برخی از آنها پاسخ داده شده است و برخی از آنها در سال ۳۲۵ هستند. کتاب دیگری هم هست، ببخشید که همه این چیزها را روی آن می‌ریزم. واضح است که اجازه دهید فقط برای ایجاد پیش‌زمینه، آن را روایت کنم. همانطور که به دنبال نسخه خطی سینا هستید، سینا بهترین عهد جدید را در خود دارد. یکی از قدیمی‌ترین و بهترین نسخه‌های خطی، سینا است و کل عهد جدید را در خود دارد. ظاهراً عبرانیان با رساله‌های پولس گروه‌بندی شده است و چرا رساله‌ها به این شکل مرتب شده‌اند؟ این نکته جالبی است. چرا نامه‌ها به ترتیب زمانی مرتب شده‌اند که رومیان اول و اول قرن‌تینان دوم باشند. و به نظر می‌رسد که نامه‌های غلاطیان، فیلیپیان و کولسیان به ترتیب زمانی مرتب نشده‌اند. رومیان نامه اول نبود. احتمالاً تسالونیکیان یا غلاطیان اول بودند. چرا رومیان و چرا اول قرن‌تینان اول هستند؟ می‌دانیم که اول و دوم قرن‌تینان اول نبودند. اساساً، نامه‌های بزرگتر اول قرار گرفتند. رومیان و قرن‌تینان اول قرار گرفتند زیرا بزرگتر بودند. بنابراین به نظر می‌رسد که در ترتیب مجموعه پولس، چه باور کنید چه نه، ملاحظات اندازه مطرح بوده است. بنابراین نامه‌های پولس آنجا بودند». رساله‌های کاتولیک «عموماً کتاب‌هایی بودند که توسط پولس نوشته نشده بودند. کتاب مکاشفه، البته، در آخر می‌آید زیرا آخر الزمانی در مورد پایان جهان است. بنابراین نتیجه‌گیری خوبی در مورد پایان عهد جدید ارائه می‌دهد.

تعداد کمی عهد جدید کامل را دیده‌اند. تعداد کمی عهد جدید کامل را دیده‌اند. شورای اولیه کلیسا - یک شرق در مقابل یک غرب وجود دارد. کلیسای شرقی در مقابل کلیسای غربی هنوز تا به امروز دیده می‌شود. بین شرق و غرب کمی تفاوت وجود داشته است. شورای کارتاژ در سال ۳۹۷ میلادی عهد جدیدی را تأسیس می‌کند که

این کتاب‌ها هستند. بنابراین شما ۲۷ کتاب عهد جدید دارید. بنابراین ما می‌دانیم که تا سال ۳۹۷ روایتی داریم که می‌گوید این کتاب‌ها دقیقاً مجموعه عهد جدید هستند. تا سال ۳۹۷ نیز همینطور است.

ما می‌بینیم که از همان ابتدا مجموعه‌هایی وجود داشته است - مجموعه‌های پولس... کمی اینجا و آنجا. کلیساها از همان ابتدا این مجموعه‌ها را کنار هم گذاشتند. اما در واقع همه آنها را در سال ۳۹۷ داشتند. یکی از پدران کلیسا، آتاناسیوس در سال ۳۶۷، آتاناسیوس از پدران اولیه کلیسا بود. او ۲۷ کتاب عهد جدید را فهرست می‌کند. بنابراین تا سال ۳۶۷، می‌دانید که دارید درباره چند صد سال و ۵۰ سال بعد از نوشته شدن عهد جدید صحبت می‌کنید، همه چیز کنار هم قرار گرفته است. باز هم جمع‌آوری و توزیع آن کتاب‌ها زمان زیادی می‌برد. بنابراین این نوعی فرآیند تقدیس چگونگی کنار هم قرار گرفتن همه چیز است. آنها کتاب‌های مختلف را در طول زمان جمع‌آوری کردند. این نشان می‌دهد که کلیسا دقیق بوده است. این نشان می‌دهد که کلیسا در نحوه انتخاب کتاب‌ها و تأیید آنها در طول زمان و انتشار آنها دقت داشته است.

### نسخه‌های خطی [۱۰:۴۶-۵۴:۴۸]

#### ه. انتقال متن - شفاهی و کتبی

#### [۱۰:۴۶-۱۵:۵۹ WY ویدیوهای کوتاه: ترکیب]

حالا بیایید بحث را عوض کنیم. خدا با این پیامبران و رسولان صحبت می‌کند و رسولان و پیامبران آن را می‌نویسند. این فرآیند الهام است. سپس نامه‌های مختلف را جمع‌آوری کردیم، که فرآیند «گرد هم آوردن آنها» است. کدام یک از آنها توسط خدا الهام گرفته شده‌اند؟ کدام یک به عنوان کلام خدا پذیرفته شده‌اند؟ کدام یک نه؟ و بنابراین کدام یک جمع‌آوری می‌شوند و کدام یک نه. کدام یک رد می‌شوند؟ حالا که هر ۲۷ مورد را جمع‌آوری کرده‌ایم، باید بارها و بارها و به مدت ۲۰۰۰ سال از آنها کپی بگیریم. تا به امروز، آنها باید کپی شوند. اکنون فرآیند کپی کردن نسخه‌های خطی و فرآیند کپی کردن آنها در سراسر جهان، شاهد پیدا شدن نسخه‌های خطی هستیم.

هنوز هم نسخه‌های خطی پیدا می‌شوند. من یک سرخ‌کرده دارم که قبلاً با او تدریس می‌کردم، اسمش دکتر دن والاس بود. دکتر دن والاس یکی از جدی‌ترین محققانی است که تا به حال افتخار تدریس با او را داشته‌ام. خیلی خیلی جدی. او واقعاً به نسخه‌های خطی یونانی علاقه دارد. به شما گفتم که الان ریش یونانی گذاشته است. و در استانبول متوجه شد که همین الان یک نسخه خطی یونانی وجود دارد، در واقع منظورم سال ۲۰۱۱ یا ۲۰۱۲ است. او می‌خواست به استانبول برود تا این نسخه خطی را از استانبول خارج کند و آن را برای جهان منتشر کند، بنابراین آنها هنوز تا به امروز در حال یافتن نسخه‌های خطی هستند. دن به دنبال آن نسخه خطی است و من تعجب می‌کنم که آیا او تا الان آن را پیدا کرده است یا خیر، وقتی نسخه‌های خطی مختلف را با هم مقایسه می‌کنید، تفاوت‌هایی در نسخه‌های خطی وجود دارد. بعضی افراد مانند بروس متزگر، پرینستون، تمام عمر خود را صرف

خواندن نسخه‌های خطی می‌کنند تا متن دقیق و بی‌نقص نسخه اصلی را تعیین کنند، زیرا ما همه این نسخه‌های خطی مختلف را داریم که باید به هم مرتبط شوند. بنابراین آنها این نسخه‌های خطی را که توسط کاتبان کپی شده‌اند و اکنون پیدا شده‌اند، با هم مرتبط می‌کنند. این محققان آنها را مطالعه کرده و کنار هم قرار خواهند داد.

بنابراین در مورد کپی کردن کتاب مقدس، باید به واقعیت مربوط به کاتبان مسیحی اشاره کنم؛ کاتبان مسیحی در مقابل کاتبان یهودی. کاتبان یهودی عالی بودند. کاتبان یهودی کلام خدا را کپی می‌کردند. آنها رویه‌های را رعایت می‌کردند. بنابراین "A" کنترل کیفیت داشتند، به عنوان مثال، آنها یک سند را می‌خواندند و تمام حروف در صفحه نداشتید، باید نسخه خطی خود A در آن صفحه وجود داشته باشد. اگر A 27 در این صفحه قرار بود 27 را پاره می‌کردید. بنابراین این افراد واقعاً دقیق بودند. کاتبان یهودی که کتاب مقدس را کپی می‌کردند، حرفه‌ای بودند. آنها به صورت حرفه‌ای آموزش دیده بودند و رویه‌های دقیقی برای بررسی و تعادل و تصحیح و متعادل کردن خواندن شما داشتند تا مطمئن شوند که کاملاً بی‌نقص است و به طور کامل انجام شده است.

#### دهم. کاتبان مسیحی [۵۴:۴۸-۳۴:۵۰]

از طرف دیگر، راستش را بخواهید، مشکل مسیحیان اولیه چه بود؟ ۱ (مسیحیان مانند کاتبان آموزش ندیده بودند. بیشتر مسیحیان چه بودند؟ بیشتر آنها رسول یا ماهیگیر بودند. این افراد کاتب آموزش دیده نبودند. آنها ماهیگیر و باجگیر بودند. بنابراین مسیحیان اولیه به عنوان کاتب حرفه‌ای آموزش ندیده بودند. همچنین، بیشتر مسیحیان اولیه فقیر بودند. وقتی کسی فقیر است، باید نگران تهیه غذا روی میز باشد. نگران کپی کردن چیزها و تکنیک‌های کتابت نیستید. بنابراین آنها فقیر بودند و احتمالاً ویرانگرترین آنها بودند و بیشتر از همه تحت نظارت بودند. مسیحیان در زمینه‌های بسیار محلی از جایی به جای دیگر مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. وقتی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرید و مجبور می‌شوید از مکانی به مکان دیگر فرار کنید، نمی‌توانید نسخه‌های خطی و چیزهای خوبی تولید کنید. بنابراین چیزهای زیادی وجود داشت که مانع از تبدیل شدن مسیحیان به کاتبان خوب و تولید نسخه‌های خطی خوب می‌شد. بنابراین تفاوت زیادی بین کاتبان مسیحی و کاتبان یهودی وجود دارد و باید از این موضوع آگاه باشید.

حال، همانطور که عهد عتیق به پادشاه دستور داده بود که از شریعت نسخه‌برداری کند. به پادشاه اسرائیل دستور داده شد که شخصاً از شریعت نسخه‌برداری کند. او شخصاً باید از شریعت نسخه‌برداری می‌کرد. در جشن‌های یهودی، آنها مطالب مختلف مربوط به جشن‌های یهودی را می‌خواندند و به خواندن کتاب مقدس علاقه زیادی داشتند. ذکر شده بود که این مطالب باید در ملاء عام خوانده و به اشتراک گذاشته شود و کاتبان مسیحی نیز از آن آگاه باشند.

#### ی. کتبی در مقابل شفاهی [59:15-50:34]

حالا بین اسناد کتبی و شفاهی تفاوت وجود دارد. آیا عیسی چیزی نوشته است؟ ما موعظه‌های عیسی را داریم. ما موعظه بالای کوه را داریم. ما گفتمان کوه زیتون و موعظه‌های مختلفی را که عیسی موعظه کرده است، داریم، اگر در مورد آن فکر کنید، فقط برای اینکه زمینه‌ای برای مسئله همدید ایجاد کنیم، وقتی عیسی موعظه می‌کرد، از یک مکان به مکان دیگر می‌رفت. او از خورزین به بتسدا، از آنجا به کفرناحوم به ناصره رفت و سپس به اورشلیم رفت. آیا عیسی هرگز یک موعظه را دو بار موعظه کرده است؟ به احتمال زیاد او این کار را کرده است. بنابراین او از مکانی به مکان دیگر می‌رفت. شاگردان سه یا چهار بار مختلف موعظه‌ها را تکرار می‌کردند.

می‌دانم که اولین شغلم تدریس کتاب مقدس در کالج کتاب مقدس گراهام در بریستول، تنسی بود. ما آنجا در تنسی هستیم و وقتی آنجا بودم، در آن زمان پول زیادی در نمی‌آوردم، بنابراین در این کالج کتاب مقدس، متون مقدس تدریس می‌کردم و برای اینکه بتوانم مخارج زندگی‌ام را تامین کنم، یک همسر جوان داشتم که باید از او حمایت می‌کردم و یک تریلر داشتیم و از چند گاوداری که به من اجازه می‌دادند تقریباً رایگان در این تریلر زندگی کنم، مراقبت می‌کردیم.

افراد مختلفی به ما کمک می‌کردند. من واعظ دوره گرد بودم، بنابراین به پنج کلیسای مختلف می‌رفتم و در یکی موعظه می‌کردم، در کلیسای بعدی، به مدت ۵ هفته. به پنج کلیسا سر می‌زدم و بعد دوباره از اول شروع می‌کردم. خیلی جالب بود. وقتی این کار را می‌کردم، در هر کلیسا یک خطبه را ایراد می‌کردم، و همسرم همیشه می‌گفت وقتی برای اولین بار موعظه کردی افتضاح بود؛ او با من صادق است. بار دوم خیلی بهتر بود، بار سوم گفت بار سوم بهترین است. او گفت بار پنجم می‌توانم بگویم که از خطبه خودت خسته شده‌ای بدون شک عیسی چندین بار یک خطبه را ایراد کرده است، یا حداقل جنبه‌های مختلفی از آن را. ما اینجا در کالج گوردون یک نفر به نام دکتر گراهام برد داریم که پیانوی جاز می‌نوازد، و همچنین در موسیقی کلاسیک آموزش دیده است. او یک آهنگ را می‌نواخت؛ یک بار آن را به عنوان یک قطعه کلاسیک می‌نوازد و به شیوه کلاسیک نواخته می‌شود، و بعد ناگهان تصمیم می‌گیرد که خب، من دوباره همان آهنگ را می‌نوازم، فقط حالا آن را به صورت جاز می‌نوازد. او همان آهنگ را می‌نوازد، اما حالا صدایش مثل جاز است. سپس همان آهنگ را برمی‌دارد، دوباره متوقف می‌کند و دوباره شروع می‌کند و حالا آن را به عنوان یک آهنگ مذهبی می‌نوازد. بنابراین اتفاقی که می‌افتد این است که همه آهنگ یکسان است اما به روش‌های مختلف متفاوت به نظر می‌رسد. نحوه نواختن او به شما نشان می‌دهد که با چه مخاطبی طرف است. اگر مخاطب کلاسیک باشد، کلاسیک می‌نوازد. اگر مخاطب انجیل باشد، انجیل می‌نوازد. بنابراین او می‌تواند همان چیز را بردارد و با آن جاز اجرا کند. من این استعاره را دوست دارم چون فکر می‌کنم این کاری است که احتمالاً عیسی هنگام رفتن از جایی به جای دیگر انجام می‌داد. بسته به مخاطب، او متفاوت صحبت می‌کرد. بسیاری از اوقات، محتوا یکسان بود اما به شکل و فرم متفاوت، بسته به نیاز

مخاطبی که خطابش بود. بنابراین به همین دلیل است که فکر می‌کنم در برخی از موعظه‌های مسیح، وقتی به انجیل‌ها می‌رسیم، تفاوت‌هایی در نحوه بیان مطالب وجود دارد، زیرا فکر می‌کنم او یک مطلب را بیش از یک بار در جاهای مختلف موعظه کرده است. برگردیم به این بحث شفاهی در مقابل کتبی، عیسی چیزی شبیه سقراط صحبت کرد. سقراط را به خاطر دارید؟ سقراط چیزی ننوشت. سقراط معلم بود، افلاطون شاگرد او بود که آن را نوشت و این مشکل بزرگ سقراطی را مطرح می‌کند که چقدر از این مطالب، افلاطون ایده‌های خودش را به سقراط برگردانده است. چقدر از این مطالب واقعاً سقراط است؟ ما خوش شانس هستیم که کلام خدا را داریم. بنابراین باید تضمین کنیم که از جانب خداست. افلاطون، و سپس ارسطو، یک نسل بعد، ما را از سقراط به افلاطون و سپس به ارسطو می‌رساند. ما عیسی و حواریون را داریم که آن را می‌نویسند. اما از شفاهی شروع شد و عیسی قرار است موعظه کند. بسیاری از مواقعی که عیسی با شنوندگانش صحبت می‌کند، در ابتدا نوشته نمی‌شود. آیا عیسی چیزی نوشت؟ پاسخ "نه" است. حواریون او کسانی بودند که آن را نوشتند. عیسی داستان‌هایی مانند موعظه بالای کوه و سخنرانی در کوه زیتون (متی ۲۴-۲۵) را بیان کرد که توسط پیروانش به یادگار مانده است.

حالا این مهم است که بین فرهنگ خودمان و فرهنگ آنها تمایز قائل شویم، یک تمایز بسیار مهم. در فرهنگ ما وقتی چیزی می‌شنوید، آیا آن را به خاطر می‌آورید؟ در فرهنگ ما پاسخ «نه» است. ما هر روز صدها چیز می‌شنویم. از یک گوش وارد می‌شود، از فضای توخالی عبور می‌کند و از طرف دیگر خارج می‌شود و ما آنچه را که شنیده‌ایم به خاطر نمی‌آوریم زیرا در فرهنگ ما چیزها را خیلی خوب به خاطر نمی‌آوریم. در فرهنگ آنها در آن زمان، مردم را آموزش می‌دادند تا با یک بار شنیدن آن را به خاطر بسپارند، بنابراین کتابی به نام *حافظه و نسخه‌های خطی* توسط شخصی به نام گرهاردسون منتشر شده است که من به یاد دارم آن را خواندم، که توضیح می‌دهد که چگونه این کل چیز شفاهی که در فرهنگ‌های باستانی یک شخص خطبه‌ای ایراد می‌کرد و شما شخصی داشتید که می‌توانست آن را تقریباً کلمه به کلمه به خاطر بسپارد و آن را از حفظ بخواند، توضیح می‌دهد. بنابراین آنها خود را آموزش دادند و ذهن خود را برای به خاطر سپردن صدا نظم دادند. بنابراین یک کاتب در مصر، به یاد دارم، در مصر باستان نمی‌خواست فرزندانش نوشتن یاد بگیرند، زیرا او می‌گوید اگر خواندن و نوشتن را یاد بگیرند، آنچه را که می‌شنوند به خاطر نمی‌آورند. ضمناً، آیا این درست است؟ فکر می‌کنم این چیزی است که امروز اتفاق افتاده است، مردم فقط چیزهایی را که باید به خاطر بسپارند، یادداشت می‌کنند و بنابراین این کاتب مصری دوران باستان نمی‌خواست این کار را بکند چون می‌گفتند که یاد می‌گیرند فراموش کنند. من احتمالاً یک دهه در زندان فوق امنیتی در میشیگان سیتی، ایندیانا تدریس می‌کردم و در آنجا شخصی به نام (DMZ) پروبو بود، و پروبو مرد فوق‌العاده‌ای بود. او یک کهنه سرباز ویتنام بود. او را پشت منطقه غیرنظامی قرار دادند. آنها چیزی به نام منطقه غیرنظامی داشتند. او را پشت منطقه غیرنظامی رها می‌کردند و هیچ سلاحی

به او نمی‌دادند. او را با یک چاقو و دستان مرگبارش آنجا رها می‌کردند. آنها سلاح نمی‌خواستند زیرا اگر با اسلحه شلیک می‌کرد، صدایی ایجاد می‌شد و سپس متوجه می‌شدند که او آنجاست و کاری که انجام می‌دهد قرار بود غیرقانونی باشد زیرا او پشت منطقه غیرنظامی بود. بنابراین او را پشت خطوط دشمن رها کردند و سپس فقط از دستان و چاقویش استفاده کرد و کار خودش را انجام داد. پروبو در کلاس من بود. او در آن زمان یک هندی بود، مسیحی نبود. او همیشه سر کلاس با من بحث می‌کرد، خیلی عالی بود، من عاشقش می‌شدم. او احتمالاً حدود ۳ یا ۵ سال از من بزرگتر است. و بنابراین ما بحث‌های خیلی خوبی داشتیم. متوجه شدم که او عهد عتیق می‌خواند ۴ و هرگز در کلاس یادداشت بر نمی‌داشت. با خودم فکر کردم، خب، پروبو، تو فکر می‌کنی خیلی باحالی، و ما این اولین امتحان را می‌دهیم و تو قرار است این امتحان را عالی کنی. خب، من اولین امتحان را دادم و پروبو بالاترین نمره را در بین همه افراد آن کلاس گرفت. بنابراین بعد از آن به سراغش رفتم و گفتم: «تو که در این کلاس یادداشت بر نداشتی، چطور این کار را کردی؟» «و من می‌دانستم که او تقلب نمی‌کند، او بالاتر از این حرف‌هاست، او هرگز چنین کاری نمی‌کند. چه اتفاقی افتاد؟ او گفت که آموزش دیده است، او گوشش مثل یک دوربین عکاسی بود، می‌توانست آنچه گفته می‌شد را به خاطر بسپارد زیرا گفت که در ارتش او را آموزش می‌دادند. او دستورات را دریافت می‌کرد، دستورات نوشته نشده بودند، دستورات از طریق این فرستنده رادیویی شفاهی بودند و او باید دقیقاً آنچه را که به او دستور داده می‌شد به خاطر می‌سپرد. بنابراین او خود را آموزش داده بود تا به خاطر بیاورد، می‌توانست برخی از سخنرانی‌هایی را که من گفته بودم، کلمه به کلمه برای من نقل قول کند، در حالی که من حتی نمی‌توانستم آنچه را که گفتم به خاطر بیاورم. او می‌توانست آن را کلمه به کلمه به خاطر بیاورد زیرا خودش را آموزش داده بود. چیزی که من پیشنهاد می‌کنم این است که مردم در کتاب «حافظه و نسخه‌های خطی» گرهاردسون نشان داده‌اند که بسیاری از مردم در جهان باستان آموزش دیده بودند تا آنچه را که می‌شنیدند به خاطر بسپارند. بنابراین آن زمان فرهنگ بسیار شفاهی بود. والتر اونگ و دیگران نوعی رسانه مدرن را انجام می‌دهند که چگونه شفاهی بودن اکنون به نوعی شفاهی ثانویه باز می‌گردد. مردم از کتاب‌ها به دنیای دیجیتال روی می‌آورند. بنابراین به هر حال، فقط برگردیم به این نکته که به یاد داشته باشیم که عیسی شفاهی بود، عیسی به صورت شفاهی تدریس می‌شود. رسانه شفاهی با رسانه کتبی متفاوت است. باید به خاطر داشته باشید که حتی به عنوان یک رسانه ویدیویی که به اینجا می‌آید، با رسانه نوشتاری متفاوت است.

ز. کاتبان و نسخه‌های خطی: مینی اسکول‌ها، اونسیال‌ها و پاپیروس‌ها [۱۵:۵۹-۲۶:۴۸]

و. کاتبان و نسخه‌های خطی

[؛ ۱۵:۵۹-۰۲:۵۹ Z-AB۷۵ ویدیوهای کوتاه؛ ترکیب]

حالا بیایید به کاتبان و نسخه‌های خطی بپردازیم. اساساً این نسخه‌های خطی هستند و آنها در سه نوع مختلف از نسخه‌های خطی قرار می‌گیرند، خوب، وقتی نگاه می‌کنیم و نسخه‌های خطی عهد جدید را از سراسر جهان از دوران باستان جمع‌آوری می‌کنیم. آنها به سه نوع نسخه خطی تقسیم می‌شوند. اول از همه، شما مینی‌اسکول دارید. مینی‌اسکول (مینی، "مینی" به معنی کوچک، "اسکول" به معنی نوشتن)، بنابراین مینی‌اسکول چیزی شبیه به خط تحریری است. شبیه به زمانی که شما در کلاس یادداشت‌برداری می‌کنید. این خط تحریری، خط بدخط، نوعی خط تحریری، خط تحریری با حروف کوچک است. این مینی‌اسکول‌ها مربوط به حدود ۵۰۰ میلادی هستند، بسیاری از آنها مربوط به حدود ۱۰۰۰ میلادی هستند، بنابراین این هزار سال پس از مسیح است. آنها در حال نوشتن نسخه‌های خطی یونانی هستند، کاتبان در حال کپی کردن نسخه‌های خطی یونانی، در مینی‌اسکول‌ها هستند، و هزاران مورد از اینها وجود دارد. می‌توانید ببینید که سیستم عددی که آنها استفاده می‌کردند چیزی شبیه به ۱۰۹۹، ۱۰۸۷ یا ۲۳۰۰ است، و بنابراین فقط به آنها یک عدد می‌دهند. بنابراین، به هر یک از ریزمقیاس‌ها یک عدد داده می‌شود. حدود ۲۸۰۰ عدد از اینها وجود دارد، خوب، و هزاران عدد از آنها وجود دارد. حالا ریزمقیاس‌ها جدیدترین هستند، آنها از ۱۰۰۰ میلادی می‌آیند، و جدیدترین کپی شده‌اند.

حالا، اتفاقی که افتاده این است که آنها یک دسته دیگر، حدود ۳۰۰ عدد از این نسخه‌های خطی آنسیال، پیدا کرده‌اند. نسخه‌های خطی آنسیال، نسخه‌های خطی با حروف بزرگ هستند. اینها نسخه‌های خطی با حروف خواهد بود، می‌بینید که چگونه به آنها نماد می‌دهند، به آن شماره نمی‌دهند زیرا "A" بزرگ هستند و این یکی اینجا مانند واتیکان خواهد بود، اسکندریه احتمالاً کجا پیدا شده است؟ واتیکان از "b"، مانند اسکندریه است "A" فقط واتیکان در رم می‌آید. این یکی اینجا سینائیاتکوس است زیرا از سینا می‌آید، یک حرف عبری به آن داده شده است، الف. از کوه سینا است، خیلی زود پیدا شد، در واقع در اواخر قرن نوزدهم، فکر می‌کنم حدود ۱۸۶۵ یا پیدا شد و بنابراین اینگونه است که آنها این کار را انجام می‌دهند. نسخه‌های خطی "D" بیشتر پیدا شد. این یکی آنسیال مربوط به ۳۰۰-۵۰۰ میلادی هستند. بنابراین نسخه‌های خطی آنسیال قدیمی‌تر و بهتر از نسخه‌های خطی کوچک آن زمان هستند. ضمناً، آیا می‌توانید فوراً تفاوت بین ریزنویسه و آنسیال را تشخیص دهید؟ آنسیال‌ها همگی با حروف بزرگ نوشته می‌شوند. ضمناً، نکته‌ی دیگر بسیار جالب است. در نسخه‌های خطی آنسیال، هیچ فاصله‌ای بین کلمات وجود ندارد، بنابراین کلمات همگی پشت سر هم قرار گرفته‌اند، هیچ فاصله‌ای بین کلمات نیست. آیا خواندن این کار سخت خواهد بود؟ و بنابراین مردم در تقسیم کلمات مشکل ایجاد می‌کنند. ریزنویسه و آنسیال‌ها، اینها بهترین نسخه‌های خطی ما هستند. این سینای امروزی است، اسکندریه، اینها بهترین نسخه‌های خطی ما هستند. اساساً عهد جدید بر اساس این نسخه‌های خطی آنسیال ساخته شده است. آنها تا قرن نوزدهم، تا دهه‌ی ۱۸۰۰ پیدا نشدند.

حالا پاپيروس یک سبک نوشتن نیست، بلکه نوع ماده‌ای است که روی آن نوشته می‌شود. بسیاری از آنسیال‌ها روی پوست حیوانات به نام ولوم نوشته می‌شدند، پوست حیوانات، چرم دست‌ساز، آنها روی چرم می‌نوشتند. پاپيروس اساساً ماده‌ای است که شبیه ترکیبی از بامبوی گاو نر است. خیلی بلند است، و الیاف را به این طرف و آن طرف هل می‌دهند، و آنها را به هم می‌چسبانند تا از آن کاغذ بسازند، و نوعی کاغذ به نام پاپيروس می‌سازند. حالا مشکل این است که چون از مواد آلی ساخته شده است، تجزیه می‌شود. بنابراین پاپيروس در تمام فرهنگ‌های دیگر خیلی دوام نمی‌آورد، چند صد سال و رطوبت هوا، آن را از بین می‌برد. اما در مصر، مصر آنقدر خشک است که پاپيروس دوام آورده است. و بنابراین ما پاپيروس را پیدا کرده‌ایم، و آنها به آن شماره‌هایی می‌دهند، و مجموعه‌ای از حدود ۹۶ قطعه وجود دارد، در واقع قطعات بسیار بسیار بیشتری از P46، P52 مانند این قطعات پاپيروس وجود دارد، و مشکل این است که پاپيروس می‌شکند. واقعاً شکننده است. تصور کنید بعد از سال که روی مواد آلی نوشته شده است. بسیار بسیار شکننده است و به راحتی می‌شکند. کسی آن را ۲۰۰ برمی‌دارد و در دستانش می‌شکند، اما تاریخ ۱۲۰ تا ۳۰۰ میلادی است، و دلیل اینکه این واقعاً جالب است این مربوط به حدود ۱۲۰ تا ۱۲۵ میلادی است. این در عرض ۳۰ P52 است که برخی از نسخه‌های خطی اولیه مانند ما سندی از مصر در باب ۱۸ یوحنا داریم که نشان می‌دهد، P52 سال از زمانی است که یوحنا زندگی می‌کرد. در آنها مجبور بودند از افسس که احتمالاً به احتمال زیاد جایی است که یوحنا ۳۰ سال پس از زندگی یوحنا در آنجا بوده، به مصر بروند. ما بخشی از عهد جدید را داریم، از ۳۰ سال دوران زندگی یوحنا، بخشی در باب ۱۸ یوحنا داریم.

خب، شخصی مثل بروس متزگر در پریستون چه کار می‌کند؟ او ویراستار است، همه این نسخه‌های خطی را می‌گیرد و باید آنها را وزن‌دهی کند: کدام یک از آنها قرار است مهمترین در نظر گرفته شوند؟ شما یک پاپيروس دارید، می‌بینید که چقدر قدیمی است؟ این اطلاعات خوبی است، این یکی را می‌بینید، شما یک کتاب کامل از چیزها دارید، چیزهای خیلی کوچکی که جدیدتر هستند، و بنابراین ممکن است به آنها وزن زیادی داده نشود. خب، حالا، این یک عکس است، این عکسی از صفحه ۵۲ است، عکس بسیار جالبی از یوحنا فصل ۱۸ آیات ۳۱ تا ۳۳. می‌توانید ببینید که تکه تکه است، می‌بینید که چقدر شکسته است؟ این فقط به دلیل ماهیت ماده است، در واقع می‌توانید رشته‌های دهانی دنده‌های گیاه پاپيروس را ببینید، می‌توانید دنده‌های گیاه را در اینجا ببینید. در این کاغذ می‌توانید حروف یونانی نوشته شده را هم ببینید و در واقع، من می‌توانم کلمه را ببینم، فکر می‌کنم «کای» باشد، ببینید این کلمه به زبان عبری یا یونانی است، کلمه «کای» به معنی «و» است. بنابراین این اساساً بخشی از یوحنا فصل ۱۸ در مقابل ۳۱ است. همانطور که آنها می‌گویند صفحه ۵۲. این از مصر می‌آید، بنابراین باید تمام مسیر را از طریق مدیترانه طی می‌کرد و در ۳۰ سال از زمانی که یوحنا زندگی می‌کرد، به مصر می‌رسید. در واقع این واقعاً شگفت‌انگیز بود. حالا این هم نسخه سینائیتیکوس. حالا این یکی خیلی جالب است. این سینائیتیکوس یک

نسخه خطی است. از کوه سینا آمده است. شخصی به نام تیشندورف بود که به سینا رفت، فکر می‌کنم حدود سال جایی در دهه ۱۸۰۰ باشد. و کمی بعد از اینکه تیشندورف چندین بار به آنجا رفت، سعی کرد این نسخه، ۱۸۶۵ خطی را بدست آورد. او در واقع ادعا می‌کرد که راهبان نسخه‌های خطی را پاره می‌کردند و برای گرم ماندن در سطل زباله می‌انداختند و می‌سوزاندند، و بنابراین او این نسخه خطی را نجات داد. دیگران می‌گویند که او نسخه خطی را از راهبان دزدیده است. راهبان هنوز از او به خاطر دزدیدن سینائیتی‌کوس عصبانی هستند. کاری که او انجام داد این بود که آن را در دهه ۱۸۶۰ از صومعه سینا بیرون آورد و آن را به بقیه جهان رساند. این بسیار مهم است. چیزی که می‌بینید این است که این یک نسخه خطی غیر رسمی است. می‌توانید ببینید که همه چیز با حروف بزرگ نوشته شده است؟ همه چیز با حروف بزرگ نوشته شده است و هیچ فاصله‌ای بین کلمات وجود ندارد. همه است که به معنی "من" eidon " آنها با هم می‌آیند، اما با حروف بزرگ، و اگر می‌توانید این را بخوانید: این کلمه دیدم " است و او ادامه می‌دهد. می‌توانید آن را بخوانید اما باید بدانید که هیچ تقسیم‌بندی بین کلمات وجود ندارد و بنابراین باید وقتی می‌خواهید آن را بخوانید، آن را در ذهن خود تجزیه کنید. بنابراین این یک نسخه از نسخه‌های خطی سینائیتی‌کوس است. پاپیروس، ریزه‌کاری‌ها، می‌بینید که چقدر شبیه هم هستند، چقدر متفاوتند؟ و بنابراین ویراستاری مانند بروس متزگر باید بررسی کند و بگوید، اینها از این طرف شبیه هم هستند، همه اینها از این طرف شبیه هم هستند، در مورد اینکه متن اصلی یونانی برای ترجمه ما از چه چیزی خواهد بود، تصمیم بگیرد. بنابراین از ما خواسته می‌شود که آنها را ترجمه کنیم. در اینجا یک بخش بزرگ از سینائیتی‌کوس آمده است، و این Pater hemon ho en " و این بخشی از دعای ربانی است "hagios thetw" از اینجا شروع می‌شود، و سپس و سپس این بخشی از دعای ربانی است، همانطور که می‌بینید، همه کلمات با هم ترکیب شده‌اند، و "tos ouranos" است، کمی متفاوت از چیزی است که قبلاً به ac اکنون شبیه a sigma اینک همه آنها با حروف بزرگ هستند. این است. به هر حال، این kai ها سیگما بودند، و سپس این c دیدن سیگما عادت داشتیم - نمادی متفاوت از آن، اما بخشی از دعای ربانی است، می‌بینید که همه کلمات در کنار هم قرار گرفته‌اند، هیچ فاصله‌ای بین کلمات وجود ندارد. بنابراین این تا حدودی مرتب است.

#### AA. [73:02-68:26] سایر نسخه‌های خطی یونانی

اکنون منابع خارجی در عهد جدید، حدود ۵۰۰۰ نسخه خطی یونانی مختلف وجود دارد که از سراسر جهان گردآوری شده‌اند - صومعه سنت کاترین از کوه سینا است که در سال ۱۸۶۵ پیدا شد. برخی از پاپیروس‌ها مربوط به اوایل سال ۱۲۵ میلادی هستند. بنابراین، در سال ۱۲۵ میلادی، ما پاپیروس داریم، اگر به عقب برگردیم، پاپیروس توسط دایسمن پیدا شد و برخی از آن افراد در حدود سال‌های ۱۸۹۰، حدود ۱۹۱۰ درست در اوایل قرن بیستم، مثلاً بین سال‌های ۱۸۸۰ و ۱۹۲۰، کارهای زیادی با پاپیروس انجام دادند. نکته جالب این است که قبل از پیدا شدن پاپیروس، مردم عهد عتیق و هفتادگانی و یونانی موجود در عهد جدید را برداشتند. آنها

نمی‌توانستند بفهمند که چه نوع یونانی است. آنها می‌دانستند که یونانی کلاسیک نیست، بنابراین برخی افراد پیشنهاد کردند که یونانی عهد جدید و هفتادگانی عهد عتیق، چیزی که آنها می‌نامیدند، یونانی روح القدس نامیده می‌شد. این یک یونانی خاص بود که روح القدس مخصوصاً برای ترجمه هفتادگانی و عهد جدید طراحی کرده بود، بنابراین آن را یونانی روح القدس نامیدند. وقتی دایسمن و این افراد این پاپیروس‌ها را در دهه‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۲۰ پیدا کردند، ناگهان متوجه شدند که عهد جدید اصلاً یونانی روح القدس نیست. روح القدس روی این پاپیروس‌ها، اسناد روزمره زیادی بود. سند طلاق، سندی با این مضمون که «این مرد ۱۰۰ دلار به من بدهکار بود» و صحبت‌های روزمره خیابانی. چیزی که آنها تصمیم گرفتند یونانی کوبینه بود که عمدتاً مربوط به ۳۰۰ سال قبل از میلاد تا سال پس از میلاد است، یونانی کوبینه زبان رایج آن زمان بود. این نکته بسیار مهمی را مطرح می‌کند و من ۳۰۰ باید این نکته را بیشتر از آنچه که گفته‌ام، بیان کنم: خدا همیشه به یک زبان صحبت می‌کند. خدا به چه زبانی صحبت می‌کند؟ من به دانش‌آموزانم می‌گویم که باید عبری یاد بگیریم زیرا خدا بدهی است که به زبان عبری صحبت می‌کند. او آدم را «آدام» نامید که یک نام عبری به معنای «غبار» است، بنابراین او آدم را «غبار آلود» می‌نامد. چرا؟ زیرا او آدم را از *Adma* (زمین) آفرید. او آدم را از خاک آفرید. او او را «غبار آلود» می‌نامد. در زبان عبری، نام حوا «حوا» است. این یک نام عبری است، «مادر همه موجودات زنده»، «زنده» و بنابراین اینها نام‌های عبری هستند. بنابراین وقتی به بهشت می‌روید، بهتر است عبری را بدانید زیرا در غیر این صورت قبل از اینکه او شما را به بهشت ببرد، باید یک دوره فشرده دو ساله را بگذرانید. قبل از اینکه بتوانید وارد شوید و با او صحبت کنید، باید عبری را بدانید. خدا با چه زبانی صحبت می‌کند؟ وقتی یهودیان به زبان عبری صحبت می‌کردند، عبری چیزی بیش از گویش کنعانی نیست که از حدود ۱۸۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به ارث رسیده است. عبری یک گویش کنعانی است. وقتی آنها به زبان عبری صحبت می‌کردند، او با آنها به زبان عبری صحبت می‌کرد. وقتی یهودیان در زمان دانیال، وقتی به بابل رفتند، به زبان آرامی روی آوردند، خدا چه کرد؟ خدا به زبان آرامی روی آورد و بنابراین برخی از عهد عتیق به زبان آرامی نوشته شده است. وقتی اسکندر کبیر در سال ۳۳۳ قبل از میلاد آمد، چه اتفاقی افتاد؟ خدا به یونانی روی آورد. خدا همیشه به زبان مردم صحبت می‌کند، چه عبری باشد، چه آرامی یا یونانی. او همیشه به زبان مردم صحبت می‌کند.

زبان مردم امروز چیست؟ به همین دلیل است که من اینقدر به این چیزهای دیجیتال علاقه دارم، چون زبان مردم امروز دیجیتال است. به نظر من به عنوان مسیحی، ما باید از دیجیتال برای جلال خدا و خیر دیگران استفاده کنیم. ما باید کلام خدا را در این زبان جدید، زبان دیجیتال، قرار دهیم. به هر حال، شما ۲۶ حرف در الفبا دارید، چند حرف در الفبای دیجیتال وجود دارد؟ الفبای دیجیتال دو حرف دارد: یک ۰ و یک ۱. با آن ۰ و ۱ می‌توانیم حروف را مانند آنچه در پیامک‌هایتان انجام می‌دهید بنویسیم، می‌توانیم تصاویر را مانند آنچه در تصاویر

بسازیم. با ۱ و ۰ H.264 mp4 صدا، ویدیو مانند این ویدیوی mp3 خود انجام می‌دهید بنویسیم، می‌توانیم jpeg می‌توانیم همه این رسانه‌ها را بررسی کنیم و امیدواریم از آنها برای اعلام کلام خدا استفاده کنیم.

### مقایسه ترجمه‌ها از یونانی، لاتین و لگاته، سریانی، قبطی [۷۳:۰۲-۷۵:۰۲] AB.

خب، به هر حال، اگر به نسخه‌های خطی یونانی برگردیم، ما ۵۰۰۰ نسخه خطی یونانی داریم و همه این نسخه‌های خطی را جمع آوری و با هم مقایسه می‌کنیم تا ببینیم کجا با هم اختلاف دارند، کجا با هم موافقت، و برخی از آنها به اوایل سال ۱۲۵ میلادی، یعنی ۳۰ سال بعد از زمان رسولان برمی‌گردد.

عهد جدید یونانی حدود سال ۴۰۰ میلادی به لاتین ترجمه شد. همزمان با تغییر زبان از یونانی به لاتین، شخصی به نام جروم در بیت لحم و جاهای دیگر بود. او بخش عمده‌ای از کتاب مقدس را به لاتین ترجمه کرد. این نسخه لاتین و لگاتا به مدت ۱۰۰۰ سال از حدود سال ۴۰۰ تا حدود ۱۴۰۰، ۱۵۰۰ میلادی و حتی تا به امروز مورد استفاده قرار می‌گرفت. من شنیده‌ام که راهبان حتی تا به امروز نیز از نسخه لاتین و لگاتا استفاده می‌کردند. و لگاتا لاتین به مدت ۱۰۰۰ سال حکومت کرد. ما حدود ۸۰۰۰ نسخه خطی لاتین داریم. اکنون نسخه‌های خطی لاتین را با نسخه‌های خطی یونانی جفت می‌کنیم. نسخه‌های خطی یونانی قدیمی‌تر و اصیل‌تر هستند، اما می‌توانیم به نسخه‌های خطی لاتین نیز مراجعه کنیم. ۸۰۰۰ نسخه از آنها و ۴۰۰ میلادی از جروم وجود دارد.

نسخه‌های اولیه دیگری هم وجود دارد. کلیسای قبطی در واقع تا به امروز در مصر وجود دارد. متوجه هستید که در واقع در یک سال گذشته کلیسای قبطی توسط اخوان المسلمین در مصر به آتش کشیده شده است. واقعاً شرم‌آور است. کلیسای قبطی بیش از ۱۰۰۰ سال است که در مصر وجود دارد. بنابراین ما یک نسخه قبطی از عهد جدید داریم، همچنین یک نسخه سریانی هم داریم. با یک نسخه سریانی، از آرامی یا سوریه، می‌توانیم سریانی را با قبطی و یونانی که داریم مقایسه کنیم. می‌توانیم سریانی را مقایسه کنیم و ببینیم کجا متفاوت است.

### نقل قول‌ها و سخنرانی‌های پدران اولیه کلیسا [۷۵:۰۲-۷۶:۳۵]

#### ز. کاتبان و نسخه‌های خطی بخش ۲

#### [AC-AF86:58-75:02 فیلم‌های کوتاه؛ ترکیب]

ما نقل قول‌هایی از پدران اولیه کلیسا داریم. پدران اولیه کلیسا همیشه از عهد جدید نقل قول می‌کنند. حالا وقتی یک پدر اولیه کلیسا از آن نقل قول می‌کند، آیا ممکن است که آن را اشتباه نقل قول کند؟ شاید یک کلمه را جا انداخته یا شاید آن را تفسیر می‌کند. گاهی اوقات ما کتاب مقدس را تفسیر می‌کنیم، کلمه به کلمه نقل قول نمی‌کنیم، فقط خلاصه‌ای از آنچه می‌گوید را ارائه می‌دهیم. اما اغلب اوقات، آنها آن را کلمه به کلمه نقل می‌کنند، و بنابراین

محققان می‌روند و آن نقل قول‌ها را از پدران اولیه کلیسا بیرون می‌کشند. و شما می‌گویید، این چگونه شبیه است، چگونه با آنچه در نسخه‌های خطی عمومی، نسخه‌های خطی پاپیروس و نسخه‌های خطی کوچک خود داریم متفاوت است؟ پدران اولیه کلیسا چگونه با آن موافق یا مخالف هستند؟ بنابراین آن ۱۰۰۰ نقل قول وجود دارد که از بین آنها غربال می‌شوند.

سپس قرائت‌های مربوط به کتاب مقدس نیز وجود دارد. حالا همه شما می‌دانید که قرائت‌های مربوط به کتاب مقدس چیست؟ آنها در اکثر کلیساها در پشت کتاب سرود شما قرار دارند. ما با دکتر گوردون هوگنبرگر به کلیسای خیابان پارک در بوستون می‌رویم، در پشت کتاب سرود این قرائت‌های کتاب مقدس وجود خواهد داشت. این قرائت‌های کتاب مقدس، قرائت‌های کتاب مقدس هستند، آنها قرائت‌های ویژه‌ای هستند که برای کلیسا گردآوری شده‌اند و در فصول مختلف در عید پاک، کریسمس یا هر زمان دیگری خوانده می‌شوند. قرائت‌های مختلفی در مورد دعا و توبه، می‌دانید، تسلی یا هر چیز دیگری وجود خواهد داشت، آنها چندین قسمت از کتاب مقدس را از جاهای مختلف بیرون می‌کشند و آنها را کنار هم قرار می‌دهند. ما قرائت‌های مربوط به کتاب مقدس کلیسای اولیه را داریم که می‌توانیم آنها را مقایسه کنیم. اینها چگونه با آنچه در نسخه‌های خطی اولیه خود داریم، مشابه یا متفاوت هستند، نسخه‌های خطی اولیه ما شامل مینیسکاها، آنسیال‌ها و پاپیروس‌ها هستند؟

### میلادی: عهد جدید در مقایسه با سایر نسخه‌های خطی باستانی [78:22-76:35]

حالا می‌خواهم عهد جدید را با چیزی شبیه افلاطون مقایسه کنم. افلاطون، شاگرد سقراط، حدود ۷ نسخه خطی از افلاطون مربوط به حدود سال ۹۰۰ میلادی داریم. تفاوت بین آن و پنج هزار نسخه خطی یونانی عهد جدید که به سال ۱۲۵ میلادی برمی‌گردد را می‌بینید، ظرف ۳۰ سال از زمانی که یوحنا زندگی می‌کرد. افلاطون، چه، حدود ۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می‌زیسته، و اولین و بهترین نسخه‌های خطی ما مربوط به سال ۹۰۰ میلادی هستند؟ حالا این داده‌ها ممکن است قدیمی باشند، حدس من این است که آنها نسخه‌های خطی جدیدی از افلاطون پیدا کرده‌اند، همانطور که نسخه‌های خطی جدیدی از کتاب مقدس پیدا کرده‌اند، اما این مربوط به چند سال پیش است، این چیزی است که ما حدود هفت نسخه خطی داشتیم، تعداد انگشت‌شماری. همین موضوع در مورد ارسطو نیز صادق است. برای ارسطو، اساساً ۵ نسخه خطی داریم. قدمت آنها به سال ۱۱۰۰ میلادی برمی‌گردد. ارسطو کجاست؟ ارسطو به اسکندر آموخت. ارسطو به اسکندر آموخت. اسکندر ۳۳۳ قبل از میلاد. بنابراین ما داریم صحبت می‌کنیم، ۳۰۰ سال قبل از مسیح. قدیمی‌ترین و بهترین نسخه‌های خطی ما مربوط به سال ۱۱۰۰ میلادی است. فقط حدود ۵ یا ۶ تا از آنها وجود دارد. تعدادشان انگشت‌شمار است. بنابراین می‌گویم که در مقایسه با عهد جدید یونانی که بیش از ۵۰۰۰ نسخه خطی یونانی در آن وجود دارد، بسیار متفاوت است. برخی از آنها به

سال پیش، زمانی که عهد جدید در ابتدا نوشته شده بود، برمی‌گردند. بنابراین تنها چیزی که می‌گویم این ۱۰۰، ۵۰ است که شواهد نسخه‌های خطی ما برای عهد جدید بسیار قابل توجه است و خیلی قدیمی است و هیچ سند دیگری مانند آن وجود ندارد. هیچ سند باستانی دیگری وجود ندارد که بتواند با آن برابری کند. کاملاً باورنکردنی است. بنابراین ما باید به کلام خدا که داریم بسیار افتخار کنیم و بسیار به آن اطمینان داشته باشیم.

### **AE. Uncial [78:22-84:02] خانواده های نسخه خطی**

حالا، وقتی این نسخه‌های خطی می‌آیند، ببینید به نسخه‌های خطی یونانی نگاه کنیم. این ویراستارانی که نسخه‌های خطی را کنار هم می‌گذارند و همه این هزاران نسخه خطی را که کاتبان کپی می‌کنند، کنار هم قرار می‌دهند، آنها را در خانواده‌هایی گروه‌بندی می‌کنند. حالا خانواده چیست؟ شما یک نسخه خطی والد دارید و یک نسخه خطی والد توسط یک کاتب، دو کاتب، سه کاتب یا چهار کاتب کپی شده است. اما می‌بینید که همه این چهار کاتب به آن والد برمی‌گردند. بنابراین شما یک والد دارید و یک فرزند دارید. شما یک والد دارید و پنج بار کپی شده است، شما پنج فرزند دارید. بنابراین آن پنج فرزند، اگر خطایی وجود داشته باشد، فرض کنید فرد اصلی آن را را اشتباه نوشته است، حروف را برعکس نوشته "thier"، را نوشته است "there" اشتباه کپی کرده است. او است. سپس این افراد در اینجا در پنج فرزند خود نیز ممکن است همان خطایی را داشته باشند که والد به فرزند منتقل می‌کند. سپس این فرزند آنها را در خانواده‌هایی گروه‌بندی می‌کند. بنابراین این بهترین خانواده است. این خانواده از نسخه‌های خطی است که خانواده اسکندریه در نظر گرفته می‌شود و سه خانواده بزرگ نسخه‌های خطی وجود دارد. این سه خانواده بزرگ هستند. بخش عمده‌ای از عهد جدید و عهد عتیق بر اساس... گُدکس و اتیکانوس مشخص شده است، و اتیکانوس و مربوط به قرن چهارم حدود ۳۰۰ میلادی است. این یک "B" است، که با حرف گُدکس بزرگ خواهد بود. گُدکس یک کتاب است. متوجه هستید؟ قبل از حدود ۱۰۰ میلادی، ما طومار داشتیم. قبل از ۱۰۰ میلادی، چیزها روی طومار نوشته می‌شدند. سپس حدود ۱۰۰ میلادی و پس از آن، کتاب‌ها یا گُدکس‌های صحافی شده به دست می‌آیند. تفاوت بین طومار و کتاب چیست؟ خب، اگر می‌خواهید به چیزی در یک طومار دسترسی پیدا کنید، باید آن را ورق بزنید و می‌دانید که یک طومار بزرگ و طولانی دارید که باید آن را ورق بزنید. وقتی کتابی دارید، تقریباً دسترسی فوری دارید زیرا می‌توانید به داخل آن بپرید. صحافی شده است و می‌توانید به جایی بپرید و بنابراین دسترسی آسان‌تری را فراهم می‌کند. کتاب یا گُدکس حدود ۱۰۰ میلادی رواج پیدا کرد. این یک تغییر از طومارها به کتاب‌ها بود، درست تقریباً در حدود قرن اول میلادی و می‌دانید که در هر دو طرف، جایی که می‌رود، شیب وجود دارد. گُدکس سینائیه دوباره از دهه ۳۰۰، ۴۰۰ میلادی می‌آید، می‌دانید است و سپس یک قرن "A" که آنها در تعیین تاریخ دقیق این چیزها مشکل دارند. سپس گُدکس اسکندریه حرف پنجم ۴۰۰ خواهد بود. بنابراین این سه نسخه خطی بزرگ هستند. آنها خانواده اسکندریه محسوب می‌شوند. اسکندریه جایی بود که آنها کتابخانه باستانی کنگره را داشتند. اسکندریه جایی است که آنها کتاب‌هایی از سراسر

جهان جمع‌آوری کردند. آنها برخی از بهترین کتاب‌ها را دارند. کدکس اسکندریه احتمالاً از آن مجموعه اسکندریه می‌آید. یک خانواده سزارینی وجود دارد و یک خانواده غربی هم وجود دارد. حالا من به پایین می‌روم، خانواده اسکندریه اولویت دارد زیرا ما توانسته‌ایم آن را بررسی کنیم و به نظر می‌رسد دقیق‌ترین است. شما همه این نسخه‌های خطی دیگر را می‌گیرید و بررسی می‌کنید که کدام یک دقیق‌ترین است. به نظر می‌رسد خانواده اسکندریه بهترین است. سزارینی کمی بدتر. زبان غربی کمی قدیمی است. متون بیزانسی از زمان بیزانسی‌ها آمده‌اند. بنابراین خیلی دیرتر خواهد بود. متون بیزانسی زیادی وجود دارد. با گذشت زمان، هرچه بیشتر به دهه‌های ۶۰۰، ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ میلادی نزدیک می‌شویم، کاتبان نسخه‌های خطی بیشتری را کپی می‌کنند. مسیحیان دیگر مورد آزار و اذیت قرار نمی‌گیرند. کلیسای کاتولیک روم را داریم. سپس کلیسای روم نسخه‌های خطی زیادی نامیده می‌شوند. برخی این را به *Texus Receptus* تولید می‌کند. بنابراین نسخه‌های خطی بیزانسی اغلب یا متن اکثریت خلاصه می‌کنند. برخی آن را اکثریت می‌نامند فقط به این دلیل *TR, Texus Receptus* صورت که تعداد زیادی از این متون کوچک وجود دارد. اینها متونی هستند که معمولاً کوچک هستند. صدها یا هزاران متن کوچک وجود دارد، همانطور که گفتیم ۲ تا ۳۰۰۰ متن کوچک وجود دارد. بنابراین به آن متن اکثریت می‌گویند فقط به این دلیل که تعداد بیشتری از این متون وجود دارد. اما توجه کنید که اگرچه تعداد بیشتری وجود دارد، اما بسیار متاخرتر هستند. بنابراین آنها متاخرتر از بقیه هستند. بقیه قدیمی‌تر هستند، خیلی قدیمی‌تر. ما داریم در مورد ۳، ۴، ۵۰۰ سال قبل صحبت می‌کنیم. بنابراین اینها اکثریتی هستند که بیشترین تعداد را دارند. متن اصلی همان چیزی است که کینگ جیمز بر اساس آن نوشته شده است. نسخه کینگ جیمز در سال ۱۶۱۱ انجام شد. کینگ جیمز از آن حمایت مالی کرد و آنها ۴۰، ۵۰، ۶۰ مترجم داشتند و او اساساً آنها را استخدام کرد و آنها ترجمه را انجام دادند، ترجمه کینگ جیمز. این یک ترجمه باورنکردنی است، بسیار خوب انجام شده است. حدود سال ۱۶۱۱ انجام شد. ۱۶۱۱، به آمدن ویلیام بردفورد به بوستون و سپس می‌فلور و شکرگزاری در سال ۱۶۲۰ فکر کنید. بنابراین ۹ سال بعد از این است، آنها فقط آمریکا هستند، مردم می‌آیند، زائران به آمریکا می‌آیند. به هر حال، این متن اکثریت است. این اساساً پیشینه نسخه کینگ جیمز است. ضمناً، آیا مترجمان کینگ جیمز از واتیکان، سینائیتیکوس یا اسکندریه خبر داشتند و پاسخ منفی است. آنها هیچ سرخی نداشتند، سینائیتیکوس فقط در حدود سال پیدا شد. بنابراین حدود ۲ تا ۳۰۰ سال بعد بود که این نسخه‌های خطی عمومی از راه رسیدند و مردم از ۱۸۶۵ آنها مطلع شدند. بنابراین من مترجمان کینگ جیمز را مقصر نمی‌دانم، آنها با آنچه داشتند بهترین کار را کردند. آنها تعداد زیادی نسخه خطی کوچک داشتند. بنابراین از نسخه‌های خطی کوچک استفاده کردند. ما امروز می‌دانیم که نسخه‌های خطی کوچک جدیدترین نسخه‌ها هستند، می‌دانید، آنها در سال ۱۰۰۰ میلادی آمده‌اند، بنابراین آنها خیلی دیرتر هستند. ما اکنون اسناد بسیار قدیمی‌تر و بسیار بهتری داریم و می‌توانیم هزاران نسخه از آنها را هماهنگ کنیم. مترجمان کینگ جیمز کامپیوتر و چیزهای دیگری نداشتند که بتوانند نسخه‌های خطی را هماهنگ کنند.

### ارزیابی نسخه‌های خطی [AF. 86:58-84:02]

در اینجا چند قانون برای ارزیابی نسخه‌های خطی وجود دارد. اینها قوانینی هستند که شخصی مانند بروس مترگر در پرینستون برای ارزیابی از آنها استفاده خواهد کرد. شما دو نسخه خطی دارید و آنها قرائت‌های متفاوتی دارند، یکی یک چیز می‌گوید و دیگری چیز دیگری. چگونه آن را ارزیابی می‌کنید؟ خب، یک راه این است که بگویید نسخه خطی هر چه قدیمی‌تر باشد بهتر است. این لزوماً همیشه صدق نمی‌کند، اما بیشتر اوقات من ترجیح می‌دهم سندی را داشته باشم که در سال ۲۰۰ میلادی نوشته شده باشد تا سندی که در سال ۱۲۰۰ میلادی نوشته شده است، زیرا اگر در سال ۱۲۰۰ میلادی نوشته شده باشد، بارها و بارها کپی شده است، هر بار که دوباره کپی می‌شود، احتمال بیشتری وجود دارد که کسی اشتباه کند. جایی که چیزی در سال ۲۰۰ میلادی نوشته شده باشد، حتی یک یا دو بار هم کپی نشده است و تمایل زیادی به خطا ندارد. بنابراین هر چه قدیمی‌تر باشد بهتر است. لزوماً همیشه درست نیست، اما این یک قانون کلی است.

هر چه پراکندگی جغرافیایی وسیع‌تر باشد، بهتر است. بگذارید مثالی بزنم. فرض کنید هزار نسخه خطی در بوستون دارید و بگذارید بگویم، متن را به یک شکل می‌خوانند: «زیرا خدا جهان را چنان دوست داشت.» خب؟ و هزار نسخه خطی وجود دارد که عبارت «زیرا خدا جهان را چنان دوست داشت» در آنها آمده است. چه اتفاقی می‌افتد اگر پنج نسخه خطی از نیویورک، پنج نسخه خطی از مثلاً فیلادلفیا، پنج نسخه خطی از میامی، پنج نسخه خطی از لس‌آنجلس، پنج نسخه خطی از سیاتل، پنج نسخه خطی از دالاس و تمام آن‌ها سی نسخه خطی از آن شش یا هفت مکان مختلف داشته باشید، همه آنها می‌گویند «آنگاه خدا جهان را دوست داشت و پسر یگانه خود را داد.» «آنها به جای «برای «می‌گویند «آنگاه.» «کدام را برمی‌دارید؟ آیا هزار نسخه خطی در بوستون را برمی‌دارید، آیا نسخه‌های دیگر را برمی‌دارید؟ ببینید، اگر آنها پراکنده باشند و همه آنها از لس‌آنجلس تا سیاتل، دالاس، فیلادلفیا و میامی با هم همخوانی داشته باشند، احتمال تحریف آنها بسیار کم است. در حالی که اگر هزار نسخه خطی در بوستون باشد، بله، بوستون ممکن است نسخه‌های خطی بیشتری داشته باشد، اما مشکل این است که آنها احتمالاً از روی یکدیگر کپی شده‌اند و بنابراین آن خطا هزاران بار تکثیر، تکثیر و تکثیر می‌شود. بنابراین هر چه پراکندگی جغرافیایی بیشتر باشد، احتمال صحت آن بیشتر است. نه همیشه، اما به طور کلی، این یک اصل خوب است.

مورد دیگر نوع خانواده است. شما خانواده را بررسی می‌کنید. خانواده اسکندریه، تا جایی که توانسته‌اند بررسی کنند، بسیار دقیق‌تر از خانواده بیزانسی است. خانواده بیزانسی متن اصلی است؛ عمدتاً موارد جزئی. متأخر است و اسکندریه متن بسیار اولیه‌ی رسمی است و احتمال صحت بیشتری دارد. بنابراین شما بر اساس خانواده و میراث خانوادگی قضاوت می‌کنید.

### انواع خطاهای نگارشی: بینایی و شنوایی [AG. 97:26-86:58]

## ح. خطاهای نگارشی

### [؛ پایان ۵۸-۸۶:۵۸-۱۰۱:۵۸-AG-AI ویدیوهای کوتاه؛ ترکیب]

خب، این بخش باید به جورایی جالب باشه. اینها انواع خطاهایی هستند که کاتبان مرتکب می‌شدند، و من فقط می‌خواهم شما فکر کنید، فرض کنید شما کاتبی هستید که عهد جدید را رونویسی می‌کنید. من یک خودکار و جوهر به شما می‌دهم، و یک تکه کاغذ به شما می‌دهم، و دو بند کاغذ به شما می‌دهم و شما مثلاً فکر می‌کنید عهد جدید چقدر طول دارد، و شما قرار است ۴۰۰ یا ۵۰۰ صفحه را با دست رونویسی کنید. هنگام کپی کردن آن با دست، چه نوع اشتباهاتی مرتکب می‌شوید؟ اول از همه، خطاهای بینایی وجود خواهد داشت. شاید شما نسخه خطی جلوی خود را ببینید، آن هم با دست نوشته شده است و نمی‌توانید تشخیص دهید که آن شخص چه کاری انجام داده است. بنابراین ممکن است حروف مشابه با هم اشتباه گرفته شوند، و بنابراین در اینجا مثالی از جایی که حرف آمیکرون و حرف سیگما، می‌توانید ببینید که هر دو به نوعی شبیه به هم هستند، و بنابراین می‌توانید آن دو حرف را با هم اشتباه بگیرید. ممکن است این دو حرف را با هم اشتباه بگیرید، و گاهی اوقات حروف با هم اشتباه گرفته می‌شوند زیرا مردم آنها را به شکلی عجیب می‌نویسند، بنابراین نمی‌توانید دقیقاً بگویید که حرف چیست. در بود و من آن «Mann» من این کار را فقط با دست خط خودم انجام دادم، اسم دختر، r، و حرف r انگلیسی، حرف گذاشته بودم نه Marr بود. من نام او را «M ar r»، را هجی کردم، و وقتی آن را در یادداشت‌هایم تایپ کردم را با دست خط خودم با هم اشتباه گرفتم. بنابراین، می‌توانید حروف و «r» و «n» و خیلی جالب است که Mann به معنی «Homo» چیست؟ Homoeoteleuton، Homoeoteleuton. این نوع چیزها را با هم اشتباه بگیرید به معنی Homoeoteleuton در یونانی به معنی «پایان» است. بنابراین «telos» از «teleuton»، یکسان است داشتن پایان یکسان است. آیا تا به حال شده که یک صفحه را کپی کنید و از روی آن کپی کنید، و همان کلمه اینجاست «را اینجا هم پیدا کنید، و اتفاقی که می‌افتد این است که وقتی چشم شما بعد از نوشتن آن به صفحه» برمی‌گردد و شما به عقب برمی‌گردید، همان پایان «اینجاست» «اینجا هم پایین است، چشم شما به پایین صفحه می‌پرد. شما سه یا چهار آیه را رد می‌کنید، چون پایان یکسانی دارد. هومئوتلوتون، پایان یکسان و چشم شما به پایین صفحه می‌پرد چون شما برای نوشتن آن به اینجا آمده‌اید و وقتی به عقب می‌پرید، به پایین صفحه می‌پرید و سه یا چهار آیه را رد می‌کنید. ضمناً، اگر این اتفاق بیفتد، آیا نسخه‌های خطی دیگری داریم که بتوانیم این را اصلاح کنیم؟ ما هزار نسخه خطی داریم و می‌گوییم، آن شخص همین الان این هومئوتلوتون را نوشته است، او به دلیل پایان‌های مشابه اینجا، از صفحه پایین پریده است.

هیلوگرافی یعنی یک بار نوشته شده و باید دو بار نوشته می‌شد. ممکن است قسمتی باشد که عیسی خودش را تکرار می‌کند، و او یک چیز را در دو جای مختلف می‌گوید، و کاتب وقتی آن را یک بار می‌نویسد، برمی‌گردد

و می‌گوید، اوه، من همین الان این را نوشتم، و آن را نادیده می‌گیرم. باید دو بار نوشته می‌شد، اما فقط یک بار نوشته شده است.

برعکس آن، و این یکی رایج‌تر است، این است که کاتب چیزی را یک بار می‌نویسد. در واقع من هم این کار را کرده‌ام، وقتی تایپ می‌کنم، یک خط تایپ می‌کنم و سپس آن را اینجا تایپ می‌کنم و بعد برمی‌گردم و همان خط را دوباره تایپ می‌کنم. بنابراین من یک چیز را دو بار تایپ می‌کنم. به آن چاپ مجدد می‌گویند، مثل «دیتو». دو بار نوشته شده است، کاتب آن را دو بار کپی می‌کند، اما باید فقط یک بار نوشته می‌شد، اما او فقط خودش را تکرار می‌کند، زیرا چشمش به ابتدای خط برگشته است.

را عوض «i» و «e» نوشته‌اید؟ شما جای «thier» حالا، متاثر چیست؟ چند نفر از شما این کلمه را و بنابراین به طور خودکار جای آنها را عوض می‌کنید. به این «c» به جز بعد از «e» قبل از «i». کرده‌اید می‌گویند متاثر. این زمانی است که شما دو حرف را می‌گیرید و جای آنها را عوض می‌کنید. و ضمناً، اگر ببینید که نوشته شده است، آیا این شما را گیج می‌کند؟ اگر تا به حال یک نسخه خطی، یک «thier» این کلمه به صورت نوشته شده باشد، آیا متوجه می‌شوید که نویسنده فقط «thier» نسخه خطی یونانی از عهد جدید، را دیده باشید که حروف را عوض کرده است؟ شما فوراً متوجه این موضوع می‌شوید، و بنابراین این مشکل متاثر معمولاً به راحتی قابل حل است.

یکی از آنها «ادغام» نام دارد. این جمله را بخوانید. یادتان هست که در متن یونانی سینا به شما گفتم، همه کلمات کنار هم قرار گرفته‌اند. ادغام یعنی دو کلمه کنار هم قرار می‌گیرند در حالی که نباید اینطور باشند، پس باید آیا «مسیح هیچ جا نیست» است یا «مسیح. CHRISTISNOWHERE از هم جدا می‌شدند. این چه می‌شود؟ اکنون اینجاست. «تفاوت چیست؟ دقیقاً از همان حروف ریشه‌ای خوانده می‌شود، بسته به اینکه آن را «هیچ جا» جدا کنید یا اینکه آن را اینجا جدا کنید، «اکنون اینجا». بنابراین این یک نمونه از ادغام است. چیزهایی به هم متصل شده‌اند که باید از هم جدا می‌شدند.

شکافت برعکس است. مردم آن را از هم جدا می‌کنند در حالی که باید به هم می‌چسبید. بنابراین شکافت و همجوشی چه دو کلمه به هم چسبیده باشند و چه از هم جدا شده باشند، و بنابراین اینها خطاهای دید هستند.

همچنین خطاهای صوتی وجود دارد. شاید بهترین راه برای انجام این کار این است که فقط این کار را به را برای من بنویسید. کلمه "their" را برای من بنویسید. کلمه "their" انگلیسی انجام دهید. به عنوان مثال، کلمه و ما همین الان این "T heir" را می‌توان به چه صورت نوشت؟ "their"، یک هم آوا است. تلفظ مشابه there "their" و "there" را نیز می‌توان به صورت املائی نوشت، شما نمی‌دانید تفاوت بین "There". کار را کردیم "they" همان چیزی است که "there" از نظر صوتی چیست. سپس اگر کسی بخواهد خلاق باشد، می‌تواند بگوید

خواهد بود. در There آنها اینجا هستند. دیگری "they're" است. کتاب یا ماشین یا "they are" به جای "re" و "auton" تلفظ می‌شود. بنابراین "autwn" تلفظ می‌شود. این کلمه "auton" یونانی هم همین را دارید. این کلمه دقیقاً به یک شکل تلفظ می‌شوند. بنابراین اگر مردی جلوی گروهی از کاتبان ایستاده باشد و آنها به "autwn" آن کاتبان از کجا می‌فهمند که این کلمه به صورت outone، صورت شفاهی از او دیکته بگیرند، و او بگوید؟ آنها دقیقاً به یک شکل تلفظ می‌شوند. بنابراین اینها خطاهای صوتی autwn نوشته شده است یا به صورت auton هستند.

خطاهای ذهنی هم وجود دارد. خطاهای ذهنی، یکی از راه‌های جایگزین کردن یک مترادف است. در طول چند سال گذشته، از دانش‌آموزان خواسته‌ام که این رونویسی‌ها را انجام دهند، و گاهی اوقات وقتی گوش می‌دهم، بنابراین آنها باید به یک سخنرانی گوش دهند و آن را تایپ کنند. چیزی که برای من جالب است این است که اغلب اوقات من کلمه را اشتباه تایپ کرده‌ام و یک مترادف را جایگزین کرده‌اند. می‌دانید، دکتر وانوی یا مکری این را می‌گویند و سپس کلمه دیگری را برای آن قرار می‌دهند. بنابراین آنها یک مترادف برای آن تغییر می‌دهند. جالب است که مغز ما این کار را به طور خودکار انجام می‌دهد و تحریفات را هماهنگ می‌کند. گاهی اوقات نویسندگان دوست نداشتند متون خاصی را در کتاب مقدس بنویسند. ایوب نمونه کلاسیک آن است. در کتاب ایوب، همسر ایوب به او می‌گوید و من دقیقاً همان را به زبان عبری نقل می‌کنم، این است: «خدا را شکر کن و بمیر ایوب، می‌دانی که خدا فرزندانت را گرفته است، او تمام ثروت تو را گرفته است، اکنون تمام وجودت را جوش زده است. خدا را شکر کن و بمیر.» خب، همه می‌دانند که متن واقعاً باید این‌طور نوشته شود: «لعنت به خدا و بمیر.» «او نمی‌گفت خدا را ستایش کن و بمیر، بلکه می‌گفت «لعنت به خدا و بمیر»، اما کاتبان دوست نداشتند بنویسند «لعنت به خدا» بنابراین نوشتند «خدا را ستایش کن»، و همه می‌دانند که باید این را تغییر دهند، که باید آن را وارونه کنند، اما به آن تحریف هماهنگ می‌گویند.

تلفیق. این یک مورد جالب است، ترجیح می‌دهید کلماتی به کتاب مقدس اضافه کنید یا از آنها کم کنید؟ فرض کنید شما یک کاتب هستید و یک نسخه خطی دارید. این در واقع از کتاب اعمال رسولان است که در آن آمده است: "کلیسای خداوند." "یک نسخه خطی می‌گوید "کلیسای خداوند." نسخه خطی دیگر می‌گوید "کلیسای خدا." بنابراین یک نسخه خطی می‌گوید "کلیسای خداوند"، نسخه خطی دیگر می‌گوید "کلیسای خدا." ۱۰۰ سال بعد چه چیزی پیدا می‌کنید؟ کاتب چه کار کرد؟ در یک نسخه خطی می‌گوید "کلیسای خداوند"، نسخه خطی دیگر می‌گوید "کلیسای خدا." ۱۰۰ سال بعد می‌دانید چه چیزی پیدا می‌کنید؟ "کلیسای خداوند خدا." حالا کاتب چه کار کرد؟ کاتب می‌گوید که یک نسخه خطی دارد که می‌گوید "کلیسای خدا"، یکی می‌گوید "کلیسای خداوند"، من نمی‌دانم کدام یک است، بنابراین اگر آن را "کلیسای خداوند خدا" کنم، می‌دانم که یکی دارم، در هر دو صورت درست است. بنابراین اتفاقی که می‌افتد این است که متن تمایل به بزرگ شدن داشته است، حالا نکته مهم این است.

متن تمایل به بزرگ شدن داشته است. کاتبان ترجیح می‌دادند چیزهایی را حذف نکنند، بنابراین آن را نگه داشتند، بنابراین «کلیسای خداوند»، «کلیسای خدا» «بعداً به» «کلیسای خداوند خدا» تبدیل می‌شود. بنابراین متن تمایل به بزرگ شدن دارد. عنوان کتاب مکاشفه در ابتدا «کتاب آخرالزمان یوحنا» بود، و سپس «مکاشفه یوحنا، شاگرد محبوب عیسی» شد، و سپس «مکاشفه یوحنا، شاگرد محبوب عیسی، کشیش کلیسای افسس» یا چیزی شبیه به آن شد، و بنابراین عنوان کتاب مکاشفه در طول قرن‌ها رشد و رشد کرده است. بنابراین متن تمایل به بزرگ شدن داشته است، بنابراین کدام یک از این دو احتمالاً درست است، بلندتر یا کوتاه‌تر؟ خوانش کوتاه‌تر ترجیح داده می‌شود. بنابراین اینگونه است که این ویراستاران برمی‌گردند و می‌گویند نه، احتمالاً متن طولانی‌تر درست نیست، بنابراین به متن کوتاه‌تر برمی‌گردند.

### ق. قواعد ارزیابی متغیرها [۲۶:۹۷-۹۹:۱۵]

حالا، بیایید به ارزیابی واریانس بپردازیم. شما دو نسخه خطی و واریانس دارید، آنها با یکدیگر متفاوت هستند. چگونه می‌خواهید واریانس را ارزیابی کنید؟ افرادی مانند متزگر و ویراستاران این کار را انجام می‌دهند. آنها می‌گویند خوانش دشوارتر ترجیح داده می‌شود. آن خوانشی که فهم آن دشوارتر است. کاتبان معمولاً چیزها را روان‌تر می‌کنند تا معنی‌دار شود. بنابراین خوانش دشوارتر ترجیح داده می‌شود، خوانی که فهم آن دشوارتر است. کاتبان معمولاً آنها را نرم‌تر می‌کردند تا خوانش اصلی احتمالاً خوانش دشوارتر باشد.

چیزی که الان در موردش صحبت کردیم این بود. متن کوتاه‌تر ترجیح داده می‌شود. متن تمایل به بزرگ شدن داشت. بنابراین، احتمالاً متن کوتاه‌تر، متن بدیع‌تر است. البته این‌ها ویراستاران مطلق نیستند که فقط این موارد را سبک سنگین می‌کنند. متن کوتاه‌تر معمولاً ترجیح داده می‌شود. شما همیشه متن کوتاه‌تر را انتخاب نمی‌کنید، اما باید با این قوانینی که پس از بررسی هزاران نسخه خطی متوجه شده‌اند، کار کنید. متن دشوارتر ترجیح داده می‌شود و متن کوتاه‌تر ترجیح داده می‌شود.

متنی که به بهترین وجه با سبک نویسنده مطابقت دارد، مثلاً وقتی در کتاب اول یوحنا هستید<sup>۳</sup> نوشته شده به معنای "یکدیگر". "یوحنا این کلمه "یکدیگر" را همه جا به کار می‌برد. بنابراین اگر می‌بینید که یک "ahlwn" نسخه خطی "یکدیگر" دارد و دیگری ندارد، احتمالاً منظور "یکدیگر" بوده است زیرا این با سبک نگارش یوحنا حقیقتاً به شما می‌گویم "اصطلاح دیگری است که یوحنا استفاده" - "legw humin" مطابقت دارد". آمین، آمین باشد زیرا "legw humin" می‌کند. بنابراین می‌بینید که به محض اینکه نوشته شده "آمین، آمین" می‌دانید که باید این چیزی است که او همیشه می‌گوید. بنابراین معمولاً متنی که به بهترین وجه با سبک نویسنده مطابقت دارد انتخاب می‌شود.

هوش مصنوعی ۳. مشکل عمده متنی در عهد جدید: مرقس ۱۶، یوحنا ۸، اول یوحنا ۷:۵ [۱۵:۹۹-۱۰۱:۵]

حالا، سه نمونه‌ی بزرگ از متن مشکل‌دار در عهد جدید وجود دارد، و این سه نمونه‌ی بزرگ به عبارت دیگر، این‌ها سه جایی هستند که نسخه‌های خطی با یکدیگر اختلاف نظر دارند. می‌بینید، ما ۵۰۰۰ نسخه خطی داریم، سه جا هست که بزرگ و حیاتی هستند. بیشتر مشکلات بین نسخه‌های خطی خیلی پیچیده نیستند. بیشتر است، وقتی آن را می‌بینید، فوراً متوجه می‌شوید که چیز مهمی «their» و «theier» آن‌ها، تفاوت بین املا نیست. هیچ یک از این تغییرات بافتی بر هیچ آموزه‌ای تأثیر نمی‌گذارد. بنابراین، فقط می‌دانید، این‌ها چیزهای واقعاً مهمی نیستند، اما برخی می‌گویند، کتاب مقدس همه این تغییرات بافتی را دارد، چیز مهمی نیست، واقعاً تأثیر زیادی ندارد، راستش را بخواهید، من فقط می‌خواهم آن‌ها را کاهش دهم و دفعه‌ی بعد در مورد آن‌ها صحبت خواهیم کرد. پایان کتاب مرقس واقعاً مهم است، مرقس فصل ۱۶ آیات ۸، ۹ و بعد از آن، در پایان کتاب مرقس یک وقفه وجود دارد. پایان کتاب مرقس یکی از مشکلات عمده در نقد متن است.

یوحنا ۸، داستان زنی که در حال زنا دستگیر شد و این فریسیان سعی داشتند او را سنگسار کنند، نزد عیسی آمدند. اگر او سنگسار شود، مرتکب زنا شده است و عیسی می‌گوید: «هر کس که کامل است، سنگ اول را بردارد و پرتاب کند»، و عیسی به زن می‌گوید: «من تو را محکوم نمی‌کنم، برو و زندگی گناه‌آلودت را رها کن.» زن زناکار در یوحنا ۸ است که مورد سوال قرار می‌گیرد [pericope] این همان داستان

سپس سومین مورد که بسیار مهم است، اول یوحنا ۵:۷ است، و این در مورد تثلیث صحبت می‌کند: پدر، پسر و روح القدس. اول یوحنا فصل ۵ آیه ۷، حال، آیا تثلیث به این آیه بستگی دارد؟ نه، ما تثلیث را از آیات دیگر اثبات کرده‌ایم، اما اگر از نسخه کینگ جیمز استفاده کنید، این آیه واضح‌ترین بیان تثلیث را در اول یوحنا ۵:۷ دارد.

این سه مورد، سه مورد اصلی هستند که در عهد جدید، این تنوع بافتی در آنها وجود دارد و دفعه بعد در مورد آنها صحبت خواهیم کرد. از توجه شما متشکرم. روز خوبی داشته باشید.

رونویسی توسط لیان بیدل و آیشا دسیلوا

ویرایش شده توسط جن استراکا

ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت